



**جای کارگران و فعالین دفاع از حقوق کودکان در زندان نیست  
سعید شیرزاد و بهنام ابراهیمزاده باید بیدارنگ از زندان آزاد شوند!**

### در این شماره میخوانید:

- ویژه آزادی سعید شیرزاد و بهنام ابراهیمزاده
- میزگرد سوءتغذیه در ایران، گفتگو با افسانه وحدت، کریم شامحمدی و سیامک بهاری
- اپیزود، شکنجه روحی به نام محرم، لیلا یوسفی
- آتش گرفتن بخاری مدرسه درمانلو . . . شمس الدین امانتی
- ۱۵ آذر، سالروز در آتش سوختن دختران شین آباد
- خشنونت جنسی به دختران در افغانستان، گفتگو با کبری سلطانی
- پیگیری کمپین بریشنا، ملاقات هیئتی از نهاد کودکان مقدمات با سفیر افغانستان در سوئد
- نگاهی به یک مطلب، آمار از کودکان کار وجود ندارد
- خبرها و رویدادها، تهیه و تنظیم، لیلا یوسفی
- منع ازدواج دختران زیر ۱۸ سال و . . .

## ویژه آزادی

### بهنام ابراهیمزاده و سعید شیرزاد



#### تبعید مجدد بهنام ابراهیمزاده به بند قاتلان زندان مخوف گوهردشت

طبق خبرهای رسیده، روز ۱۲ آذر ۱۳۹۳، بهنام ابراهیمزاده، فعال کارگری و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری بار دیگر به بند یک زندان گوهردشت که مخصوص نگهداری زندانیان خطرناک و اعدامی است تبعید شد.

طبق این خبرها، صبح امروز بهنام ابراهیمزاده مجدداً به بیدادگاه نظام ضد کارگری اسلامی منتقل گشته و در آنجا با اتهامات بیشتری علیه خود روبرو گشت. اتهامی که به این کارگر مبارز تفهیم شده "صدور بیبانه" از داخل زندان بوده است. تو گویی که اصولاً قانونی علیه چنین کاری وجود دارد!

این گزارشات حاکی است که پس از بازگرداندن بهنام به زندان گوهردشت، به جای باز گرداندن وی به بند زندانیان سیاسی، او را به بند یک این زندان که ویژه نگهداری محبوسین زیر حکم اعدام و قصاص است منتقل کرده اند.

این اقدامات حکومت سرمایه داری اسلامی به هیچ عنوان نشانی از "اقتدار" و ثبات

آنها نبوده، بلکه بیانگر هراس این زالو صفتان از طغیان طبقه ای است که رهبرانی چون بهنام ابراهیمزاده، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، مهدی شاندیز و صدها فعال کارگری از جان گذشته ای چون ایشان را پرورانده است. حکومت سرمایه داری اسلامی به خیال خود فکر می کند که با آزار و اذیت چهره های شناخته شده جنبش کارگری می تواند خروش رو به فزونی طبقه کارگر را "تعدیل" کند. اما بوضوح می توان دید که این اقدامات نه تنها این رهبران را از راه خود بر نخواهد گرداند، بلکه با عیان شدن نشانه های ضعف و هراس و عدم اقتدار حکومت زالو صفتان، عزم ایشان را در مبارزه ای بی امان جزم تر کرده است.

#### اطلاعیه شماره ۳۲

#### کمیته دفاع از بهنام ابراهیمزاده

ضرب و شتم شدید بهنام ابراهیمزاده از سوی ماموران امنیتی هنگام انتقال به دادگاه

سه شنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۳ - ۰۲ دسامبر ۲۰۱۴

کارگران، تشکلهای کارگری، انسانهای شریف و آزاده؛

همانگونه که مطلع هستید بهنام ابراهیمزاده فعال کارگری عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری و عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان بیش از ۴ سال است که در زندان مشغول گذراندن حکم ضد کارگری است که برایش صادر

شده بود. در حمله به بند ۳۵۰ زندان اوین در ۲۸ اردیبهشت ماه سال جاری و ضرب و شتم شدید زندانیان سیاسی این بند، بهنام هم یکی از زندانیانی بود که بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و بعد از آن چند ماهی را در سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ همین زندان گذارند و متعاقب آن به زندان رجایی شهر تبعید شد.

امروز دو شنبه ۱۰ آذر ماه ۱۳۹۳ یک بار دیگر مسئولان امنیتی زندان رجایی شهر به بهنام اطلاع دادند که باید برای محاکمه مجدد به دادگاه انقلاب تهران منتقل شود، قبل از بردن بهنام به دادگاه انقلاب ماموران زندان رجایی شهر بهنام را وادار میکنند که برای بازرسی بدنی تمامی لباسهای خود را درآورده و لخت شود که بهنام با این خواسته مخالفت می کند و علیرغم مقاومت شدید بهنام، ماموران زندان بهنام را مورد ضرب و شتم شدید قرار میدهند و با بی احترامی تمام او را لخت میکنند که بخاطر این ضرب و شتم شدید تمام سر و دست بهنام آغشته به خون میشود و ماموران زندان با مشاهده وضعیت بهنام از انتقال بهنام به دادگاه صرف نظر کرده و او را به زندان باز میگردانند.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیمزاده ضمن محکومیت شدید این حرکت ضد انسانی از سوی ماموران زندان رجایی شهر خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

دهم آذر ماه ۱۳۹۳

## بیانیه اعتراضی دو تن از زندانیان سیاسی در بند؛

## سعید شیرزاد و بهنام ابراهیم زاده

## بمناسبت روز جهانی علیه سانسور

## دهم آذر نه به سانسور و همصدا با ما در مبارزه علیه سانسور

اعتراض به سانسور و نبود آزادی بیان همواره در مرکز ثقل فعالیت های وبلاگ نویسندگان و کنشگران سیاسی و حقوق بشری و روزنامه نگاران دیگر و انسانهای مترقی در سراسر جهان بوده و هست. در این راه چه انسانهایی جان خود را تنها به صرف انتقاد و علیه سانسور از دست داده اند. همیشه کسانی برای پایان دادن به سانسور در جامعه به شیوه های گوناگون تلاش کرده اند و میکنند. کنشگران سیاسی و حقوق بشری، روزنامه نگاران و خصوصا وبلاگ نویسندگان و دیگر کاربران اینترنت هر ساله در دهم آذر علیه سانسور بیانیه و مطالبی را در اعتراض به روند سانسور انتشار داده اند و طوفان مجازی به راه انداخته اند که خواست مردم در آن ممنوعیت سانسور بوده است. مبارزه علیه سانسور و دفاع از آزادی، حقوق انسانی و بدیهی شهروندان در یک جامعه است. دفاع از گردش آزاد اطلاعات و اندیشه است. ما مبارزه برای آزادی اندیشه و بیان و مخالف با هر گونه سانسور را وظیفه خود میدانیم، ما ضمن مخالفت شدید با هرگونه سانسور از همه وبلاگ نویسندگان و کاربران اینترنت و کنشگران سیاسی و حقوق بشری و نویسندگان و دیگر نیروهای مترقی میخواهیم برای پایان دادن به سانسور با ما همراه و همصدا شوند و صدای اعتراض خود را با ما زندانیان در بند در آمیزند.

متأسفانه دروضع کنونی فضای سانسور و اختناق در بسیاری از کشورها حاکم است. بطوریکه تشدید سانسور و

برخورد تند با وبلاگ نویسندگان و روزنامه نگاران و نویسندگان و همه کسانی که در فضای سایبری و فیس بوک فعالیت میکنند همچنین تشدید سانسور در سایت ها و وبلاگ های اینترنتی، هک و فیلترینگ و اجازه ندادن به نشر و چاپ کتاب و روزنامه، حق سانسور و قیچی در سینما و تئاتر و فیلم و ... از مواردی است که میتوان به آن اشاره کرد. در وضع کنونی دهها روزنامه نگار و وبلاگ نویس و نویسنده و ... در ایران تنها به جرم انتقاد و سانسور از سوی دستگاه قضایی محکوم و در حبس بسر میبرند. زندانیانی چون محمد صدیق کبودوند، عدنان حسن پور و برادران کرد پور نویسنده و روزنامه نگارانی که جرم تک تک این عزیزان اینست که حاضر نبودند در برابر واقعیت ها چشم پوشی کنند، یا محمد رضا پورشجری و وبلاگ نویسی که به تازگی دستگیر شده و در حال حاضر در زندان ندامتگاه مرکزی کرج در میان زندانیان خطرناک بسر میبرد.

مردم آزادیخواه، زنان و مردان مبارزه، جوانان و دانشجویان و تمام کسانی که قلبشان برای آزادی و برابری و برای دنیایی بهتر، بدون سانسور و اختناق می تپد! جرم و اتهام این عزیزان و دهها وبلاگ نویس و روزنامه نگار و فعال کارگری و ... تنها انتقاد و آشکار کردن بی عدالتی ها و نابرابری ها بوده است. هم اکنون چندین فعال کارگری و معلم از جمله یوسف آب خراباد، افشین ندیمی، واحد سیده، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، عبدالرضا قنبری تنها به خاطر

طرح مطالباتشان و انتقاد از مسئولان و دولتمردان ایران به حبس محکوم شده اند.

زنان و مردان مبارز، کارگران، جوانان و دانشجویان و مردم به ستوه آمده!

مبارزه علیه سانسور و دفاع از آزادی حقوق انسانی و بدیهی شهروندان است. ما مبارزه برای آزادی بیان و اندیشه و مخالفت با هرگونه سانسور و فضای سرکوب و اختناق را وظیفه خود میدانیم و سکوت نخواهیم کرد. ما نمیتوانیم دفاع از حق مسلم کارگران و معلمان برای طرح مطالباتشان برنخیزیم و سکوت کنیم. نمیتوانیم اعدام و نقض حقوق کودکان و زنان و دانشجویان را ببینیم و خاموش باشیم. ما وظیفه خود میدانیم که سرکوبها و بازداشت های خودسرانه را محکوم و از حق آزادی بیان دانشجویان و ... دفاع کنیم.

مردم آزادیخواه و به ستوه آمده از فضای سانسور و خفقان!

فراخوان ما به شما و دیگر نیروهای مترقی و سازمانها و نهادهای حقوق بشری و ... اینست که در این راه در مبارزه علیه سانسور و اختناق و مبارزه برای آزادی اندیشه و بیان با ما همراه و هم صدا شوید و ما را تنها نگذارید. به امید دنیایی بهتر و بدن سانسور و اختناق

بهنام ابراهیم زاده (اسعد) وبلاگ نویس و فعال کارگری و کودک، زندان رجایی شهر سالن دوازده

سعید شیرزاد زندانی سیاسی، فعال حقوق کودکان، زندان اوین

آذر ماه ۹۳

# میزگرد

## سوء تغذیه کودکان در ایران

وقتی کودک متولد میشود بلافاصله باید مورد معاینه پزشکی قرار گیرد. وزن و قدش را باید اندازه گرفت. و تمامی کنترل‌های لازم بایستی به طور مداوم تا ۶ سالگی کودک دائمی و رایگان انجام شود.



کودکی که با وزن کم متولد میشود، بلافاصله بایستی تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار گیرد. در ایران به علت فقر گسترده و عدم تغذیه مناسب مادران، تعداد کودکانی که زیر وزن ۲۵۰۰ گرم بدنیا می‌آیند در سالهای اخیر سیر صعودی داشته است. هیچ آمار قابل اتکایی در این زمینه‌ها وجود ندارد. هر چه هست از مشاهدات پرستاران و یا تعداد مرگ و میر نوزادان است. در کشورهای پیشرفته معمولاً یک سازمان دولتی مرکزی آمار وجود دارد که از طرف دولت و پارلمان مأموریت دارد که در مورد تعداد جمعیت کشور، بیکاری، بیماری‌های مختلف، پدیده‌ها و معضلات جامعه هر کجا که لازم است، آمار قابل

کرده و هر روز سفره‌شان را خالی تر میکند، حاصلش میلیون‌ها کودک گرسنه و بدون آینده است. مسله بسیار جدی است. سوء تغذیه بسیاری از کودکان در ایران امروز از قبل از تولدشان صورت می‌گیرد. خانواده کارگری را در نظر بگیرید که ماه هاست دستمزدش پرداخت نشده است. پس اندازش ته کشیده و همسرش هم حامله است. این زن از کجا باید تغذیه مناسبی داشته باشد؟ چه میتواند بخورد که املاح و ویتامین‌های لازم به جنینش برسد؟ مادری که باید جنینی را تغذیه کند، خودش گرسنه است. تازه با گران شدن ۳۰ درصدی نان، را هم که تنها خوراک عده‌ای هست از سفره خیلی از خانواده‌ها حذف میشود و یا درصد مصرف‌شان پایین می‌آید. تازه این مادر باید تحت کنترل دائمی پزشکی باشد تا اگر بیماری دارد که به فرزندش منتقل میشود، عفونتی در بدنش وجود دارد، معالجه شود. جنین هم باید به طور دائم در شکم کنترل شود و بسیاری موارد ظریف دیگر. امثال این خانواده در کشور سر به میلیون‌ها می‌زند. تازه گیریم مادر بتواند از تغذیه مقبولی برخوردار باشد، دانشمندان دریافته اند که مادرانی که در دوران بارداری در مرز میزان بالایی از آلودگی هوا قرار دارند، بیشتر نوزادان با وزن کم به دنیا می‌آورند. که خود عامل سوء تغذیه میشود.

نشریه کودکان مقدمند، ضمن خوش آمد گویی به شما برای شرکت در این میزگرد.

گزارش‌های نگران کننده‌ای از وضعیت تغذیه کودکان منتشر میشود. نظر شما در این باره چیست؟



### افسانه وحدت

ممنون از اینکه به این موضوع مهم پرداختید. بله این اخبار نگران کننده است و بشدت تکانه‌دهنده هستند. هنوز شاید همه ابعاد وسیع و سراسری این فاجعه علنی نباشد.

گرسنگی در ایران مثل یک اپیدمی خطرناک به جان مردم افتاده است. در بعضی شهرهای جنوبی میزان مرگ و میر کودکان در اثر گرسنگی و بیماری‌های خیلی ساده و قابل علاج بسیار بالاست. افزایش روز افزون بهای کالاهای اساسی خوراکی عملاً لیست غذایی خانواده‌ها را به شدت محدود کرده است. جان تعداد زیادی کودک از سوء تغذیه در خطر جدی است.

مساله سوء تغذیه کودکان در ایران مبحثی همه جانبه و قبل از همه سیاسی است. وجود حکومتی که به جان مردم افتاده و همه امکانات رفاهی را از مردم سلب

**رفتار هر جامعه با کودکان محک ارزیابی درجه انسانی بودن آن جامعه است!**

چنین شرایط و وضعیتی است که سوء تغذیه هم گسترش می یابد. بنابر این بانی سوء تغذیه هم مانند هر کدام از پدیده های اجتماعی دیگر، حکومتها و جامعه اشان می باشد و در ایرانی مسبب سوء تغذیه عمومی مردم هم جمهوری اسلامی است. ولی آقازاده ها، آیت الله ها، انصار حزب الله و رئیس و روسا و در کل این اقلیت مفتخور که ثروت جامعه را تحط کنترل خود دارند و چپاول می کنند از چنان وضعیت مالی بدی هم برخوردار نیستند که خانواده اشان دچار سوء تغذیه ای شده باشد. این را هم مطمئن هستم حکومتی که به فکر رفاه عمومی جامعه نباشد، حکومتی که به فکر آموزش و پرورش نباشد، که با استاندارد امروز دنیا خودش را وفق بدهد، با وصف اینکه امکانات غذایی برای عموم به وفور می تواند ممکن باشد. ولی از رفاه عموم چشم پوشی کند و برای سرکوب مردم و به انقیاد کشیدن هر چه بیشتر جامعه امکانات را به کار بگیرد، طبیعی خواهد بود که فقر و فلاکت و سوء تغذیه گسترش می یابد.

**نشریه کودکان مقدمند: آیا این ادعا که سوء تغذیه در میان کودکان ایران شایع است صحت دارد؟ نمونه و آمار و ارقامی دارید؟ چگونه میشود صحت مشاهده را تایید کرد؟**



سیامک بهاری

راستش من شخصا آرزو داشتم سوء تغذیه در کودکان ایران نه تنها حقیقت نداشته باشد، بلکه به هیچ وجه نشود حتی یک نمونه از سوء تغذیه را در میان کودکان ایران نشان داد. علیرغم این آرزو، حقیقت تلخ این است که سوء تغذیه در

میان خانوادهها در ایران در حال گسترش است. البته نه هر خانواده ای، بلکه اکثریت مردم. در سالهای اخیر روند تراکم فقر و فلاکت و گرسنگی، بیکاری و بی خانمانی و خانه خرابی گسترش یافته است و اکثریت جامعه دامنگیر چنین اوضاعی شده اند و در نتیجه همین امر باعث شده است که سوء تغذیه هم گسترش پیدا کند.



البته در جامعه ای مثل ایران که جمهوری اسلامی با زور اعدام، شکنجه و زندان خودش را تحمیل کرده است، نه تراکم فقر، بلکه صحبت از زندگی زیر خط فقر است. همچنین اینرا هم می دانیم که چنین شرایطی که خود جمهوری اسلامی بانی و مسبب آن است، همه با هم فقیر نیستند، زیر خط فقر نیستند که سوء تغذیه همه با هم گسترش پیدا کرده باشد، صحبت هم از طرز عادت نیست که خانوادهها بلد نباشند که چه غذاهای ویتامین دار و یا پروتئین دار به بچه هایشان بدهند که موجب انواع و اقسام مریضی ها و پوکی استخوان نشود. بلکه مردم پول و امکانات ندارند، بیکارند و اگر هم کاری داشته باشند به خرج و مخارج زندگی نمی رسد. می گویند همه چیز هست ولی آنقدر گران است که نمی شود خرید و کسانی که پولدار هستند از عهده اش بر خواهند آمد. بله همانطور که در بالا اشاره کردم، در

**ادامه از صفحه پیش ...**

اعتماد، قابل دسترس و آبدیت شده وجود داشته باشد. در ایران چنین آماری از زیر سانسور و صافی های مختلف سالم بیرون نمی آید و وجود دهها هزار انسان هایی که ثبت نشده اند، این آمارها را بی ارزش میکند. کشورهای پیشرفته علاقمند به داشتن آمار در این زمینه ها از جمله سوء تغذیه کودکان ..

هستند چون درمان رایگان است و سلامت کودکان وظیفه دولت. اگر در این زمینه اخلاص شود به ضرر جیب دولت است. بدون وجود یک آمار قابل اتکا، سازمان دهی جامعه دچار اشکال اساسی میشود. معنی عملی اینکه دولتی آمار درستی از تعداد کودکان متولد شده و یا بیکاران و یا مثلا تغذیه کودکان کشور را نداشته باشد خود نشان میدهد که این دولت چه کاره است.

طبق آماری که عضو هیات رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، در تیر ماه امسال ارائه داده ۳۰ درصد افراد جامعه از گرسنگی رنج می برند و شرایط این بخش از جامعه را "فاجعه بار" توصیف کرده است. ایشان گفته است: "در کشور ۲۰ درصد افراد پروتئین و انرژی کافی دریافت نمی کنند. شاید بتوان گفت ۵۰ درصد دچار کمبود مواد غذایی هستند و ۳۰ درصد از گرسنگی سلولی رنج می برند." این دیگر حرف ما نیست. خود حکومت عملا اعلام میکند که ۳۰ درصد مردم گرسنه هستند.

**نشریه کودکان مقدمند: در میان خانواده ها در ایران سوء تغذیه در حال گسترش است. چرا؟**



کریم شاه محمدی

با تشکر و خسته نباشید. سوء تغذیه در

## ادامه از صفحه پیش ...

ابعاد حیرت آور و بسیار مزمن در میان کودکان ایران شایع است. حتی متاسفانه میتوان گفت در برخی نقاط ایران به یک اپیدمی شناخته بدل شده است. آمار و ارقام موجود فقط یک بخش شناخته شده و به بیان دیگر بخش غیر قابل کتمان آنرا نشان میدهد.

قبل از هر چیز باید یک استاندارد قابل قبول را تعریف کرد که سوءتغذیه اساسا چیست و تعریف جهانی و مورد قبول آنرا روی میز گذاشت و با آن قضاوت کرد.



جهت تعیین وضع تغذیه، شاخصهای شناخته شده و معتبر علمی وجود دارد که نشان میدهد و ثابت میکند که این علائم مشاهده شده در کودک، سوءتغذیه است.

تطابق وزن و سن کودک، که نشان میدهد وضع تغذیه کودک در طول زمان رشد او چطور بوده و همینطور سنجش اندازه قد و سن کودک که نشاندهنده وضعیت تغذیه کودک در زمان حال است و نیز مقایسه وزن و قد کودک، این اساس کار است. در نتیجه کاهش وزن، کوتاه قدی تغذیه‌ای میزان انحراف یا طبیعی بودن تغذیه کودک مشخص میشود.

میزان سوءتغذیه مزمن (تاثیر تغذیه دوران گذشته بر وضعیت کودک)، کاملا قابل سنجش و براساس استاندارد بالا قابل مشاهده است. بر اساس این معیار پذیرفته شده جهانی، وضعیت سوء تغذیه در ایران یک فاجعه به تمام معنی است. گرانی سرسام آور کنونی هر روز مواد غذایی بیشتری را از سفره تهیدستان

جامعه محو میکند. مواد پروتئینی، گوشت، شیر، لبنیات، میوه و سبزیجات، مغزدا نه ها و ... به مرور به کالاهای خاص و لوکس بدل میشوند. وقتی خط فقر تعریف شده دولتی در تهران دو میلیون پانصد هزار تومان باشد و دستمزدهای رایج عموما زیر یک میلیون تومان باشد، انتهای سقوط به دره فقر کاملا قابل مشاهده است.

یک نمونه کوچک ذکر کنم، شهیندخت مولوردی معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده ناچارا اعتراف می کند که: "در کنار زنان سرپرست خانوار، هم اکنون به الگوی جدیدی به نام زنان خودسرپرست رسیده ایم که حدود ۵/۳ میلیون نفر را شامل می شوند و آنچه در این میان نگران کننده است زنانه شدن چهره فقر در خانواده هاست". جدا از نگاه و روش غلط خانم معاون، حالا حساب کنید اگر هر زن خودسرپرست دو

تا سه فرزند باشد، یک قلم با جمعیت ۷ تا ۱۰ میلیونی کودکانی رو برو میشویم که تأمین مالی خانوادگی ندارند. ناگفته پیداست که این فقط بخش ناچیزی از فقر در جامعه است. در واقع سوء تغذیه چیزی بجز فقر نیست، در عین حال خودش زاینده فقر است.

یک نمونه تحقیق را برایتان ذکر کنم که مثلا پایه و اساس و علمی هم دارد و یک موسسه دانشگاهی - دولتی منتشر کرده است. کل موضوع را بدون هیچ شرحی نقل میکنم، قضاوت را بخود شما میسپارم:

"(۹۶۱ نفر از دانش آموزان مقطع سوم راهنمایی شهر یزد به صورت تصادفی و از بین کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع سوم راهنمایی شهر یزد انتخاب شدند. قد و وزن دانش آموزان با استفاده از قدسنج و ترازوی استاندارد و با حداقل پوشش محاسبه شد. بر اساس اطلاعات حاصل از تحقیق حدود ۳/۱۵ درصد از

کل دانش آموزان تحت بررسی دچار کم وزنی و لاغری بودند.

در مقاسه دیگری: نوجوانان (گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال) بطور وسیع دچار مشکلات سوءتغذیه، کمبود ریز مغذیها (ویتامینها و مواد معدنی) و بیماریهای مزمن وابسته به تغذیه می باشند. در جامعه ما ۲۰ درصد از مردم کمتر از میزان نیاز واقعی بدنشان غذا می خورند. طبق برآوردها در حال حاضر ۲۰ درصد از دانش آموزان به تغذیه تکمیلی در مدرسه نیاز دارند.

نمونه دیگر وضعیت وخیم کودکان در سیستان و بلوچستان است: دکتر ایرج ضاربان رییس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایرانشهر گفت: آمار سوء تغذیه مادران و کودکان استان سیستان و بلوچستان نسبت به آمار کشوری دو برابر است."



طبق بررسی‌های انجام شده در کشور، ۶/۱۶ درصد کودکان کم وزن‌اند و ۴۳/۷ درصد هم به سوءتغذیه و عوارض آن مبتلا هستند. شاخص کوتاهی قد در سیستان و بلوچستان ۲۱ درصد (سه برابر کشوری) در کهگیلویه و بویر احمد ۱۲ درصد و هرمزگان ۱۱ درصد است. مهدی طباطبایی معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان میگوید شاخصهای سوءتغذیه در سیستان و بلوچستان دو برابر استانهای کشور است و دسترسی به غذای سالم مورد نیاز در استان برای همگان بویژه زنان باردار و کودکان امکان پذیر نیست. ۲۰ درصد کودکان زیر پنج سال درسیستان و بلوچستان دچار سوءتغذیه هستند و به عارضه‌های

## ادامه از صفحه پیش ...

کم وزنی و کوتاه قدی دچار شده‌اند، شیوع کمخونی در تمام گروه‌های سنی دو برابر شاخص‌های کشوری است. ۲۰ درصد زنان استان از عارضه کمخونی رنج می‌برند، کمبودهای ناشی از تغذیه موجب شده است تا زنان در این استان دارای زایمانهای پرخطر باشند و به همین دلیل آمار مرگ و میر مادران نسبت به شاخص‌های استاندارد افزایش یابد.

۳۸ درصد کودکان زیر ۵ سال استان سیستان و بلوچستان مبتلا به کوتاه قدی، ۳۵ درصد دچار کم وزنی و ۱۰ درصد لاغری متوسط و شدید هستند.

فقط ۴ درصد از کودکان در فواصل مناسب وزن ثبت شده‌ای بر روی کارت رشد خود دارند. در مورد مصرف مکمل‌ها (ویتامین آ + د و آهن) حدود ۸۰ درصد از کودکان مکمل‌ها را دریافت نمی‌کنند. ۳۵ درصد کودکان زیر ۵ سال تحت مراقبت‌های بهداشتی قرار ندارند، همچنین در مناطق شهری و روستایی حدود نزدیک به پنجاه درصد کودکان لعاب برنج را بعنوان اولین غذایی کمکی استفاده کرده‌اند. ۶۱ درصد کودکان ۱۱-۶ ماهه شهری و ۵۲ درصد از کودکان همین گروه سنی در مناطق روستایی انواع پفکها، آب میوه های صنعتی، نوشابه های صنعتی، شکلاتها و آب نباتها) مصرف کرده‌اند همچنین در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۴۱ درصد از کودکان ۶ تا ۱۱ ماهه از تخم مرغ یا گوشت استفاده نکرده‌اند.

باید ببخشید توضیحات اینقدر طولانی شد، اما باید تاکید کنم وضعیت در سایر نقاط کشور چیزی شبیه همین است که ذکر کردم. حالا دیگر تو خود خدیث مفصل بخوان از این مجمل. این وضعیت فاجعه باری است که فعلا در آمارهای دست چندم دولتی منتشر شده است.

حقیقت بسیار خطرناکتر و دردناکتر از این است که نقل شد.



## نشریه کودکان مقدمند: راه کار عملی

برای کمک فوری به تغذیه کودکان به نظر شما چیست؟

افسانه وحدت: وضعیت کودکان مدتهاست در ایران در حالت اورژانس قرار دارد. پیامدهای نامطلوب سوءتغذیه کودکان از جمله اختلال در رشد و تکامل مغزی، جسمی و افت تحصیلی، آینده آنها را به تباهی میکشد. باعث افزایش هزینه درمانی برای خانواده هایی که از هستی ساقط شده اند میشود. برخی خانواده ها، کودکانی دارند که بدلیل سوء تغذیه همیشه مریض هستند.

مدیر کل دفتر "بهبود" وزارت بهداشت حکومت اسلامی از گرسنگی مردم دستکم ۵ استان خوزستان خبر داده. این فاجعه ای عظیم و دردناک است. حکومت اسلامی با غارت ثروت عمومی، تمامی امکانات رفاهی را از مردم سلب کرده و ایران را به جامعه‌ای ناامن و گرسنه تبدیل کرده است. ابعاد این فاجعه بسیار گسترده است. ادامه این وضع یعنی نابودی کامل یک نسل. خانواده‌ها با جیب خالی نمیتوانند مانع سوء تغذیه کودکانشان شوند راه کار عملی برای متوقف کردن سوء تغذیه با یک سازماندهی سراسری امکان پذیر است و این فقط از عهده یک دولت برمی آید که امکانات عمومی کشور را در دست دارد.

تنها راه مقابله و نجات کودکان گرسنه از

جانب مردم اعتراضات وسیع عمومی است. تجمع در مقابل بنگاه‌های اخذی مثل کمیته امداد امام، مجلس اسلامی، وزارت بهداشت و درمان. باید وادارشان کرد که پولهای غارت شده از مردم را صرف رفاه عمومی کنند. راه دیگری وجود ندارد. هر روز که بگذرد خانواده‌های بیشتری از هستی ساقط میشوند و قدرت خرید نان را هم از دست خواهند داد. این یک جنگ است. باید به میدان آمد و برای حق کودکان جنگید.



نشریه کودکان مقدمند: برنامه نهاد کودکان مقدمند در پاره تأمین تغذیه مناسب برای کودکان چه میگوید؟ چگونه میشود آنرا عملی کرد؟

کریم شاه محمدی: برنامه نهاد کودکان مقدمند برای تأمین تغذیه مناسب برای کودکان، قبل از هر چیز راه مبارزه را نشان داده است. چونکه در این دنیای وارونه بغیر از کشورهای معدودی که یک وعده غذای گرم به دانش آموزان می‌دهند، رفاه عموم در اکثر کشورها به اینجا نرسیده است که این جزء کوچک و حداقل رفاه به کرسی نشانده شود.

حکومتهایی که به فکر یک وعده غذای گرم برای همه کودکان در مدارس نیستند. جامعه ای که به فکر رفاه عموم نیست و امکانات جامعه را برای مقاصد خود و اقلیت مفتخور جامعه به کار می‌گیرد که جامعه را به انقیاد خود در آورد، لیاقت حکومت کردن ندارند.

ما نهاد کودکان مقدمند از هر امکانی ←

میکنند مسئول سیر کردن شکم بچه، مسئول سوءتغذیه کودکان، والدین هستند. این رفتار مشتمل کننده را باید به گردنشان آویزان کرد.

مقصر، بانی، مسبب و عامل بقاء این وضعیت فقط و فقط جمهوری اسلامی است.

اینجاست پای مطالبات بحق مردم بمیان می آید. سلامت جسمی و حتی روانی کودک از زمان جنینی تا بزرگسالی تا حد بسیار زیادی عموماً به تغذیه مناسب گره میخورد. فقر اقتصادی، بیکاری و گرانی بلای جان سلامتی کودکان است. اینها را والدین سبب نشده اند. پس حکومت گردن خردش جواب بدهد.

ما مطالبات روشنی داریم. هر کودک به محض تولد از هزینه رایگان برخوردار شود. شیر و مکمل های غذایی باید کاملاً رایگان در اختیار مادران قرار گیرد.

دوره شیردهی مادر نباید از حد مجاز فراتر رود و جای کمبود غذایی را شیر مادر بگیرد.

برای جبران سوءتغذیه در کودکانها و مدارس باید حداقل یک وعده غذای گرم مناسب بصورت رایگان به کودکان داد.

واکسیناسیون همراه تست سلامت و تأمین نیاز ویتامینها و مواد معدنی کودک توأم گردد.

بودجه و هزینه تأمین غذایی کودکان باید بصورت گزارشی قابل محاسبه و پیگیری در اختیار جامعه قرار بگیرد.

سلامتی حق مردم و همه کودکان است و دولت موظف به تأمین آن است. به کمتر از این هم نباید رضایت داد.

این تعهد و وظیفه سراسری در قبال کودکان را نباید بعهده هیچ نهاد خیریه ای و (ان جی او) و غیره گذاشت.

جمهوری اسلامی نمیتواند این توقع را به جا بیاورد؟ گورش را گم کند! حرف آخر این است.\*

آنچه در سبد غذایی مردم باقی مانده در بهترین حالت آرد و روغن و شکر است که قیمت هر کدام از اینها نیز مداوماً توسط دولت افزایش پیدا میکند دسترسی به مواد غذایی و نیز بهداشت غذایی، ممکن نیست. همین هفته اعلام شد نان سی درصد گران میشود. خودشان میگویند، ۱۲ میلیون نفر فقیر غذایی داریم.

اما وظیفه دولت و ناتوانی اش دو موضوع مجزا است. اول به ادعاهای صد من یک غاز حضرات نگاه کنید. اقتصاد را در ۱۰۰ روز سامان میدهیم، تورم را کاهش میدهیم، کار و اشتغال ایجاد میکنیم و غیره، اما در عمل میورند اورانیوم غنی میکنند، تسلیحات بشار الاسد امثالهم را تأمین می کنند. بودجه نظامی و امنیتی نجومی دارند. نان مردم را خرج نگهداشتن حکومتشان می کنند. بودجه برای همه نوع جنگ و تقلای ایدئولوژیک دارند الا برای تأمین زندگی مردم.

وضعیت کنونی بدون تردید حاصل کارکرد کل نظام جمهوری اسلامی است. مشتی فاسد، دزد و چپاولگر بیرحم بر مسند قدرت نشسته اند، ثروت مردم را بالا کشیده اند و صرف توپ و تانک و فشفشه کرده اند. سیبل حماس و حسن نصرالله و هر درنده و جانور تروریست اسلامی را چرب کرده اند، آیت الله های گردن کلفت و میلیاردی و آقازاده ها فربه شده اند و مردم به خاک سیاه افتاده اند.

این حکومت باید جوابگو باشد. اینطور نیست که چون در ناصیه اینها نمیشود ذره ای از بهبود را یافت پس دست از سرشان برداریم. زندگی مردم را گرو گرفته اند، دو قورت و نیم شان هم باقی است. معلوم است که باید پاسخگو باشند!

مسئول حکومت اسلامی است. پس برویم یقه کی را بگیریم؟

میدانید این حکومت چه میکند، خانواده را

شویه ممکن اعتراضات عمومی را سازمان میدهیم که حکومتهایی مثل جمهوری اسلامی ایران را زیر فشار بگذاریم که مرگ و میر و انواع و اقسام مریضیهای گوناگون کودکان، بخاطر بی غذایی و یا سوء تغذیه، قابل تحمل نیست، باید به میدان آمد و به این بی حقوقی کودکان در این دنیای پر از ثروت اعتراض کرد. ما باید بیشتر از پیش صدای دفاع از حقوق کودکان باشیم.

برنامه ای که کودکان مقدمند برای تغذیه مناسب برای کودکان در نظر دارد و بر این باور هم هست که در همین دنیای وارونه ممکن می داند این است.، نظارت مستقیم دولت در امر تغذیه کودکان. همه کودکان باید از تغذیه مناسب، مکفی و مقوی برخوردار باشند. در مدارس و مهد کودکیهای غذای مجانی باید در اختیار کودکان قرار گیرد.، وقتی این حد اقل امکانات رفاهی را در امر تغذیه به دولتها قبولاند، حتمی وعده غذاهایی خواهد بود که پروتئین، ویتامینهای بدن را تأمین کند. حداقل یک وعده غذای گرم همراه با شیر و در فاصله غذا میوه هم می باشد. برای مهد کودکیها حد اقل صبحانه و نهار و همچنین میان وعده غذاها میوه و شیر می باشد.



استاندارد برای تغذیه مناسب کودکان چیست؟ آیا این استاندارد در موقعیت کنونی و توسط جمهوری اسلامی میسر است؟

سیامک بهاری: استاندارد واقعی یعنی میلیونها مردم از زیر خط فقر تحمیلی جمهوری اسلامی بیرون بیایند، وقتی



شماره ۶

# ایپزود

## شکجه روحی به نام محرم



لیلا یوسفی

طولانی شد. کسر توجه نکرد. مادر حاضر هم گریه می کرد. فردا با چاقو آمد به  
 بود. وقت که بیدار شد، بر قرار بود و طرفم، جیغ کشیدم. کمک خواستم.  
 گریه کرد. طولانی و وحشت زده. فردا افا افا هم گریه می کردند. بدنم لرزید و  
 در خانه، مادر بر هوشم شدنش را به چشمانم سیاه رفت. بعد هم چیز  
 چشم خود دید و بعد گریه و گریه. چند روز چرخید و چرخید. حالا هم اثر به یاد می  
 به همین فنوال گذشت. رفتند پیش آورم. می ترسم.  
 دکتر. پیش دکتر حق حق کنان، به از چراغ خاموش  
 زبانم کودک اثر به سختی تعریف کرد: از فریاد مردان  
 آن شب ما فانم مرا به مسجد برد و گفت از ضجه زنانه  
 که می توانم با بچه ها بازی کنم. از سیاه و خون  
 اولش خوب بود، افا یک مرتبه چراغها من از محرم می ترسم.  
 خاموش شد. فردا سیاه پوشر فریاد می

کودک نفر داند فزهب چیست؟  
 کودک از هر آنچه که به خوردش می دهید  
 و به سرش می آورید، بر خبر است.  
 بر دفاع است.

کودک افا ترس را می فهمد. غم می  
 خورد. زجر می کشد از خیال بافر  
 هار بهشت و جهنم فزاهب! دلبره  
 می گیرد. او تنها پر از احساسات و  
 کنجگاور است □

زندن. تور سرشان کوبیدند و یقه پاره (این کودک هنوز تحت درمان است و  
 کردند. قم زندن و خون ریخت. فقط هر روز بر هوشم می شود. او لکنت  
 تاریک بود و ضجه. خیلی ترسیدم. مادرم دارد).

اولین بار مادرش گفت: چه عجب! بلا  
 گرفتم، بلاخره خوابید!

خوابش در آن قیل و قال خیلی



شمس‌الدین امانتی

با مروری مختصر بر وضعیت مدارس درمیابیم که مرگ و میر ناشی از حوادث ناگوار در سال تحصیلی جاری در مدارس محل تحصیل دانش آموزان و تدریس معلمان و خارج از مدرسه، در ایران تحت حاکمیت رژیم سرمایه داری اسلامی کماکان ادامه دارد.

به گزارش ایرنا، آتش گرفتن بخاری مدرسه "درمانلو" در روز سه شنبه ۴ آذر ۱۳۹۳ زمانی اتفاق افتاد که بخاری نفتی یکی از کلاسهای درس در دبیرستان غیائی روستای "درمانلو" در شهرستان گرمی، از استان اردبیل آتش گرفت که با اقدام به موقع معلم این دبیرستان، کسی آسیب جانی شدیدی ندید و تنها چند نفری از دانش آموزان بعلت مشکلات تنفسی راهی بیمارستان شدند. حال "صمد سلیمانزاده"، معلم این مدرسه رضایت بخش است و از بیمارستان مرخص شده است. خبر این حادثه به آتش نشانی اطلاع داده شده بود ولی آنها در محل حادثه حاضر نشدند و آتش بخاری نفتی با تلاش عوامل مدرسه و روستائیان مهار شد.

به گزارش پایگاه خبری آران مغان "روز شنبه ۲۴ آبان سال جاری در جلسه شورای برنامه ریزی استان اردبیل اعلام شد که در نواحی ۱۹ گانه آموزش و پرورش استان اردبیل از ۸۶۶۶ کلاس

درس، ۱۸۰۰ کلاس در استان اردبیل بخاری های نفتی دارند.

"علی کامرانی"، رئیس آموزش و پرورش شهرستان گرمی، به خبرنگار خبرگزاری فارس، گفت "این حادثه به علت شیطنت تعدادی از دانش آموزان که در زمان زنگ تفریح در کلاس درس حضور داشتند اتفاق افتاده است."

مسئولین رژیم اسلامی نه تنها در رابط با رویداد مدرسه "درمانلو" بلکه در اغلب رویدادها و حوادث ناگواری که منجر به مرگ معلمان، دانش آموزان، سوختگی بر اثر آتش بخاری در مدارس و صدمات ناشی از حوادث جاده‌ای به هنگام رفت و برگشت کاروان راهیان نور که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از دانش آموزان شده، بلافاصله از خود سلب مسئولیت کرده و به منظور فریب افکار عمومی عوامل حاشیه‌ای در این حوادث را بر جسته و قربانی را عامل حادثه معرفی میکنند. در حادثه مدرسه "درمانلو" آگاهانه دست به دامن شیطان بزرگ و "شیطنت" دانش آموزان شدند تا پروژه حيله شرعی مسئولین رژیم اسلامی عامه پسندتر جلوه کند.

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی سیفار شهرستان گرمی، چند ساعت بعد از این حادثه فرماندار شهرستان "گرمی" وارد ماجرا شد و گفت، "اختلاف معلم با رئیس آموزش و پرورش خبر آتش سوزی در مدرسه روستای "درمانلو" را غیر واقعی کرد! وی در ادامه با هزار اما و اگر گفت "بخاری دچار آتش سوزی می شود، یکی

از دانش آموزان نیز برای بیرون بردن بخاری شیطنت کرده که موجب آتش سوزی بیشتر بخاری می شود."

به این ترتیب فرماندار مشخص نکرد که این اظهارات او آنها با آن آب و تاب، قرار است چه مسئله ای را "حل" کند؟ اختلاف معلم این مدرسه و رئیس آموزش و پرورش چه ربطی به آتش گرفتن بخاری در مدرسه "درمانلو" میتواند داشته باشد؟! برابر آمار خود رژیم ۱۸۰۰ کلاس درس در استان اردبیل از هم اکنون تا حداقل ۶ ماه دیگر به دلیل سرمای شدید در این استان، از بخاری نفتی استفاده خواهند کرد که هر روز احتمال تکرار چنین حوادثی ممکن خواهد شد.

در جریان حادثه مدرسه شین آباد در روز چهارشنبه، ۱۵ آذر ۱۳۹۳، که در آن ۲۹ دانش آموز دختر دچار سوختگی شدند و دو نفر از آنها جانباختند، نه تنها هیچ کدام از دختران این کلاس "شیطنتی نکردند"، بلکه در میان آتش و دود بخاری نفتی سوختند و جان باختند. تنها تفاوت در حيله شرعی مسئولین آموزش و پرورش رژیم اسلامی در این دو رخداد ناگوار است که در حادثه اخیر، "شیطنت" دانش آموزان را عامل اصلی و در جریان آتش سوزی مدرسه شین آباد، سرایدار زحمتکش مدرسه در هنگام کمک کردن به دانش آموزان و بیرون بردن بخاری نفتی از کلاس به منظور نجات آنان، بعنوان مقصر معرفی شد.

به گزارش فارس، روزیکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۳، فانی وزیر آموزش و پرورش در

پلدختر تصادف کرد و منجر به زخمی شدن پنج دانش آموز دختر می شود. تنها دبیرستان روستای "مورانی" از توابع استان لرستان پسرانه است که با توجه به سیاست ارتجاعی مذهبی تفکیک بر مبنای جنسیت، دختران این روستا ناچاراً جهت ادامه تحصیل، روزانه به دبیرستان های دخترانه پل دختر میروند که متأسفانه بجای مدرسه راهی بیمارستان شدند.

به گزارش ایرنا، روز ۶ آذر ۱۳۹۳، "خودروی پراید حامل ۵ نفر از فرهنگیان شیراز در حال عزیمت از یک مدرسه در منطقه "سیاخ دارنگون" به شیفیت دوم کاری آنها در مدرسه ای در همین منطقه در اثر تصادف، "موسی قربان پور" جانبخت و ۴ سرنشین دیگر آن به دلیل مصدومیت شدید به بیمارستان منتقل شدند. این دومین سانحه رانندگی خودروی حامل فرهنگیان در استان فارس در سال تحصیلی جاری است. اواخر مهرماه سال جاری نیز سانحه رانندگی خودروی حامل چهار فرهنگی و معلم دبیرستان دخترانه روستای "کوه سبز" شهرستان مرودشت در جاده درودزن دو کشته و دو مصدوم بر جای گذاشت. این گروه از معلمان زن در حال بازگشت از محل کار خود در روستای کوه سبز به محل زندگی در شهر شیراز بودند.

به گزارش ایسنا، "پسری ۱۵ ساله بنام "محمد" ساعت ۱۱ صبح اول آذر سال جاری زمانی که معلمش "محسن خشخاشی" در حال تدریس فیزیک در دبیرستان حافظی شهرستان بروجرد بود، وارد کلاس شد و وقتی که معلم او را بابت غیبت هایش بازخواست کرد، به سمت وی حمله ور شد و با زدن ۳ ضربه چاقو به وی جان معلمش را گرفت و گریخت."

تلفات جانی دانش آموزان، معلمان و دانشجویان در ایران تحت حاکمیت رژیم



کشور را متوجه "توطئه های انگلیس و شیطان بزرگ" به جامعه معرفی میکنند. به گزارش خبرگزاری مهر، شب ۲۸ مهر ماه سال جاری "کاظم صفرزاده" مدیر مجتمع شبانه روزی ویسیان از توابع خرم آباد یکی از دانش آموزان این مجتمع را که دچار آسیب شده بود به درمانگاه ویسیان انتقال میدهد که به دلیل کمبود امکانات و نبود آمبولانس مسئول درمانگاه تشخیص می دهد که دانش آموز آسیب دیده باید به خرم آباد اعزام شود. مدیر مجتمع ویسیان همراه دو دانش آموز دیگر و با ماشین شخصی خود در شب بارانی به جاده می زند و در نهایت روی پل شور آب، سیلاب راه او را می بندد و در این حادثه پس از سقوط خودرو در داخل رودخانه سه دانش آموز و معلم آنها جان خود را از دست می دهند. کمبود یا در واقع نبود امکانات پزشکی و درمانی در درمانگاه "ویسیان" جهت مداوای در رفتگی قوزک پای یک دانش آموز که از ارتفاع دو متری سقوط کرده، دلیل اصلی این رخداد ناگوار است که مرگ چهار انسان را به دنبال داشت.

به گزارش خبرنگار مهر، روز چهارشنبه ۳ آذر ۱۳۹۳ اتومبیل حامل دختران دانش آموز اهل روستای مورانی، در محور

دولت روحانی، در صحن علنی مجلس اسلامی گفت " ۱۳۰ هزار کلاس درس سیستم گرمایشی استاندارد ندارد." باتوجه به آمار این وزیر خطرات ناشی از عدم استاندارد سیستم گرمایشی در مدارس تحت حاکمیت رژیم اسلامی، حادثه مدرسه دخترانه "شین آباد" و "درمانلو" اولین و آخرین حادثه از این نوع خواهد بود.

به گزارش خبرگزاری فارس، "رضا سرگزی" معلم یکی از روستاهای شهرستان قصرقند در روز ۲۶ فروردین سال جاری، در حالی که بعد از تعطیلی از مدرسه به سمت منزل خود در حرکت بود به ضرب گلوله افراد ناشناس به قتل رسید. در روز ۲۶ فروردین ماه سال جاری نیز در اقدامی مشابه "جواد نوروزی"، معلم پایه ششم روستای "حیط" از توابع شهرستان راسک هنگام رفتن به محل کار به ضرب ۵ گلوله توسط افراد مسلح ترور شد.

آیا جواب رژیم به ترور این دو معلم چیست؟ شکی نیست که این اقدامات جنایتکارانه بخشی از ناامنی در مکانهای تحصیلی برای معلمان است که مسئولیت آن بر عهده مقامات رژیم می باشد. هر چند کارگزاران رژیم این ترورها را همچون دیگر جنایات صورت گرفته در داخل

حکومتی فتوای مذهبی چنین جنایاتی را از مسئولین بالای مذهبی نظام می‌گیرند، به دنبال اسید پاشی یک ماه گذشته به امری عادی و روز مره تبدیل شده است. تنها راه مبارزه با این مأمورین چاقوکش، لات و لمپن رژیم اسلامی و آمرین و فتوا دهندگان چنین توحشی، اعتراض جمعی و سازمان یافته مردم معترض به وضع موجود و کلیت نظام مذهبی حاکم در ایران است.\*



دانشجویان که سالانه سیر صعودی دارد، از عوامل اصلی رویدادهای ناگوار روزانه به حساب می‌آیند.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، روز ۸ آذر ماه سال جاری "حمله گروهی ناشناس با چاقو به دستکم شش زن که پنج نفر از آنها دانشجوی هستند در شهر جهرم استان فارس، جو روانی این شهر را ناآرام کرده است. این حملات در روزهای گذشته رخ داده و مسئولان امنیتی و انتظامی استان فارس هم از دستگیری عوامل آن خبر داده‌اند."

چاقوکشی و مصدوم کردن دانشجویان و بویژه زنان در معابر عمومی آنهم با حضور پلیس و به توصیه و تحریک مأمورین امر به معروف و نهی از منکر که طبق شواهد و اعتراف آخوندهای

اسلامی، تنها محدود به عدم سیستم استاندارد بخاری های نفتی و آتش سوزی ناشی از آن در مدارس نیست. اگر چه آسیبهای روحی و جسمی این حوادث مدتها در ذهن دانش آموزان و خانواده های آنها باقی خواهد ماند، بلکه اساساً سیستم حاکم بر اداره آموزش و پرورش در ارگانهای وابسته به رژیم اسلامی بر اساس اولویت آموزش مذهب بجای علم و تفکیک جنسیتی به جای امنیت و سلامت جسمی و روحی، عدم امکانات امنیتی، تاخت و تاز مأمورین امر به معروف و نهی از منکر در انزار عمومی، بی توجهی و عدم احساس مسئولیت دستاوردکاران رژیم مخصوصاً در این نهاد آموزشی، تلفات جانی و مصدومیت دانش آموزان، معلمان و

## ۱۵ آذر

# سالروز در آتش سوختن دختران شین آباد

شدت سوختگی و عدم قبول پیوند قطع شد.

نشت نفت بخاری، عدم آموزش مسئولین مدرسه و هراس و ازدحام دانش آموزان موقع خروج از کلاسی که تنها یک درب خروج داشت و وجود نرده های آهنی پشت پنجره های کلاس، دانش آموزان نتوانستند از کلاس خارج شوند. نیروی آتش نشانی یک ساعت بعد به محل رسید.

مرتض رئیسی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان تجهیزات و نوسازی مدارس، ادعا کرد که امکانات موجود در دبستان و کلاس درس استاندارد بوده است. وزیر آموزش و پرورش وقت، بکلی منکر نقش و

مسئولیت **ادامه در صفحه ۱۹**

آتش به تمام سطح کلاس سرایت کرد.

آتش سوزی در این مدرسه دخترانه یکی از سلسله آتش سوزیها به دلیل بکارگیری بخاریهای نفتی پر خطر و غیر استاندارد در مدارس ایران است. فاجعه ای که موجب سوختگی شدید ۱۲ دانش آموز و حادثه دیدن ۲۰ تن دیگر گردید.

دو دانش آموز به اسامی سیران یگانه دانش آموز ده ساله، چهار روز بعد در اثر شدت جراحات شدید سوختگی و عدم رسیدگی بموقع در گذشت. دیری نگذشت که ساریا رسولزاده یکی دیگر از قربانیان این فاجعه دردناک آتش سوزی مدرسه شین آباد در روز ۸ دیماه در بیمارستان سینای تبریز جان باخت.

انگشتان سه تن از دانش آموزان بدلیل



بر اثر سانحه آتش گرفتن بخاری نفتی در مدرسه دخترانه این روستا در ۱۵ آذر ۱۳۹۱ دو سال پیش، ۳۲ دانش آموز این دبستان دچار سوختگی شدند. حادثه زمانی روی داده که بخاری نفتی این کلاس دچار آتش سوزی شد و تلاش سرایدار مدرسه برای خاموش کردن آن با استفاده از کپسول آتش نشانی اقدام کرد. اما کپسول کار نکرد. بخاری منفجر شد و

# خشونت جنسی به دختران در افغانستان

## گفتگوی تلویزیون کودکان مقدمند با

### کبری سلطانی فعال دفاع از حقوق کودکان

کودکان از طرف ملا، کشیش و یاسایر رهبران دینی صورت میگیرد. در طول تاریخ آلوده و ضد انسانی مذهب همواره این وقایع ننگین تکرار شده است.

در کشور های عقب مانده مذهبی اعتقاد به مذهب سبب میشود که کودکان از سنین بسیار پایین از طرف والدین شان و ادار شوند تا به مسجد بروند و از همان سنن کودکی ذهن و جسم شان عرصه تجاوزملاها و نمایندگان دینی قرار میگیرند.

یکی دیگر از مشکلات جوامع عقب مانده و مذهبی تا بو بودن آموزش در مورد مسایل جنسی است. صحبت کردن در مورد روابط جنسی شرم و جرم حساب شده لذا نه تنها کودکان و اطفال در مورد آزار جنسی و سو استفاده جنسی و تجاوز معلومات ندارند بلکه در صورت وقوع آن حتی بعضی شان نمیدانند که مورد سو استفاده جنسی و یا تجاوز قرار گرفته اند و الفاظی برای توضیح ان نمیابند و یا بعضی کودکان و اطفال آنرا طبیعی تصور کرده و بدن ترتیب فرد متجاوز با دست باز تری عمل کثیف اش را به دفعات تکرار میکند.

نباید فراموش کنیم که در جوامع مردسالار و مذهبی بنا بر موجودیت

پلیس این ولایت دستگیر و به جرمش اعتراف کرده است

برشنا اظهار میکند که او نزد این ملا برای فرا گرفتن علوم دینی میرفته که بتاریخ ۲ ثور (اردیبهشت) امین الله دست پا و دهن طفل را بسته و او را در باغ نزدیک به مسجد برده و به او تجاوز جنسی کرده است. برشنا میفراید که بعد از عمل تجاوز جنسی ملا مسجدالتی گنبد او را تهدید کرده که اگر در مورد این تجاوز به کسی صحبت کند تمام فامیل او را خواهد کشت

مادر برشنا نیز تاکید میکند که دختر شان برای فرا گرفتن علوم دینی نزد ملا به مسجد میرفته

این رویداد در زمانی اتفاق می افتد که در همان هفته گوش و بینی ملای دیگری بخاطر تجاوز بیک دختر خورد سال توسط پدر و مادر آن دختر بریده شده است.

**افسانه وحدت: این اولین بار نیست که ملایی با استفاده از موقعیت اش به کودکان تعرض میکنند علتش را در چه میدانید؟**

**کبری سلطانی:** بلی این یک موضوع تازه و یا اولین بار نیست که تجاوز به



**افسانه وحدت:** در مورد تجاوز جنسی به دختر ده ساله توسط ملای مسجد در ولایت کندز به بینندگان که در جریان نیستند توضیح دهید

**کبری سلطانی:** با سلام خدمت بینندگان عزیز و تشکر از شما طبق گزارش خانم حسینیه سروری مسوول خانه امن ولایت کندز، بتاریخ ۲ ثور (اردیبهشت) سال جاری دختر ده ساله به اسم برشنا در قریه التی گنبد ولایت کندز از طرف یک ملای مسجد به اسم امین الله بارز مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است امین الله ملای مسجد التی گنبد از طرف

که این خود باعث خاموش ماندن اطفال و تکرار تجاوز جنسی می‌گردد. تمام این عوامل دست بدست هم زمینه تعرض به کودکان را مساعد می‌سازد.

فکر میکنید با این همه فجایع ای که در مساجد و از طریق آخوند ها اعمال شده و میشود هنوز هم مردم به این شکل اعتماد می‌کنند و کودکانشان را به آنها می‌سپارند؟

**کبری سلطانی:** مسله تجاوز جنسی توسط ملاها یک پدیده ای جدید نیست اجازه دهید تا مستندی را برایتان بیان کنم! شما حتما با اسم شیخ آصف قندهاری رهبر حزب حرکت اسلامی آشنا هستید روایتی است واقعی از این قرار که مشتاق یکی از قوماندانهای حزب حرکت اسلامی خواهری داشت دوازده ساله، که در زمان اقامتش در اسلام آباد پاکستان، خواهرش را به خانه محسنی برد تا همراه با فامیل شیخ زندگی کند و هم از شیخ آصف محسنی خواست تا به او احکام اسلامی را تدریس نماید.

مشتاق پس از آنکه وعده حفاظت از خواهرش را از محسنی بعنوان عالم دینی و رهبر حزبش دریافت کرد و مطمئن شد که خواهر نابالغش سرپناهی یافته است، به افغانستان باز گشت برای به اصطلاح جهاد.

از این اطمینان مشتاق دیری نگذشته بود، که خبر رسید خواهرش در سن دوازده سالگی از طرف آیت الله محسنی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و حامله شده است.

نظر به حرفهای همسنگران مشتاق، قوماندان مشتاق از این پیشامد بسیار خشمگین گردیده و نامه اعتراضی شدید الحنی را به محسنی فرستاد. محسنی، با دریافت نامه اعتراضی مشتاق، از ترس پراکنده شدن این خبر در بین مردم، تصمیم می‌گیرد او را از بین ببرد.



جنسی) موافق نبوده که او را به والدینش تحویل دهند زیرا اکثر قربانیان بخاطر مسله ناموسی به قتل میرسند.

ویس الدین تلاش امر جنایی پلیس کندز میگوید حیات این دختر مصون نیست... او میگوید تهدید یکی از احتمالاتی است که از طرف اقارب او متوجه اوست ضمناً متهم یک ملاست و موضوع در حریم خود ملاها آسیب بزرگی در موقعیت اجتماعی آنها به حساب میاید. طالبان نیز برای جلوگیری از خدشه دار شدن دین که وسیله مؤثری برای کنترل افکار و عقاید مردم است، قربانی جنایات تجاوز را مسؤل دانسته و به حکم شریعت اقدام به قتل آنها مینمایند. احتمالات چندین تهدید اجتماعی و عقیدتی متوجه کودک بیچاره است. بعضا دیده شده که گفته های اطفال از طرف بزرگان بخصوص والدین جدی گرفته نشده و یا اصلا بدان اعتماد نمیشود

روحیه مالکیت والدین بر اطفال این والدین اند که برای اطفال شان تعیین تکلیف میکنند و ذهنیت حاکم بر جامعه نیز این شیوه بر خورد را تأیید مینماید. والدین به دلیل تخدیر ذهنیت شان در داشتن اعتقادات مذهبی به ملا و مسجد جایگاه و احترام خاصی قایل اند. لذا اطفال نمیتوانندب خاطر ترسشان از والدین از گفته های ملا سر پچی کنند این خود زمینه ساز استفاده جنسی از اطفال در همچو جوامع است.

ناگفته نباید گذاشت که در چنین جوامع ملاها به عنوان رهبران دینی از قدرت و سلطه ای بزرگ بر خوردار هستند. همزمان به دلیل عدم حمایت اجتماعی از کودکان، کودکان قربانی تجاوز به دلایل ناموسی در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرند. طوریکه خانم حسینه سروری مسؤل خانه امن کندز میگوید: که او بخاطر مصونیت بر شنا (قربانی تجاوز

اگر در اینجا بحثم را جمع کنم میتوان گفت در جوامع بسته، عقب مانده، سنتی و مذهبی هم اطفال و هم والدین ضرورت به آموزش در مورد روابط اجتماعی و جنسی دارند. تابوهای اخلاقی که دین نگهبان آنهاست، باید شکستنده شوند، مسأله تجاوزجنسی نبایست دامن قربانی را بگیرد.

با زدن علامت ناموسی به این پدیده غیر انسانی، نبایست متجاوزین در امان بمانند. هر قدر روابط عاطفی بین والدین و اطفال صمیمی تر باشد بهمان اندازه اطفال در گفتن رازها و وقایع خودشان را مصونتر احساس میکنند.

**افسانه وحدت: دولت ملی مذهبی افغانستان که دولت وحدت ملی نام**



**گذشته شده است، چه بر خوردی به این مسله داشت و نقش دولت را چه گونه بررسی مینمایید؟**

**کبری سلطانی:** یک مسله را همیشه بیاد داشته باشیم که در یک جامعه طبقاتی همه ارکانهای دولت مارک طبقاتی بر خود دارند. قانون و پلیس آن زمان آدمها را جدی میگیرند که میدیا بدان توجه کند و آنرا انعکاس بیشتر دهد. تا جایی که من از میدیا شنیدم ملا امین الله دستگیر و به ۲۰ سال حبس و جریمه نقدی محکوم شده است.

چه بسا دختران و کودکانی که خاموشانه مرده اند یا در بین مرگ و زندگی بسر

در کنار اعتماد والدین عوامل دیگر نیز مسبب این بدبختی هاست مثلاً در جوامع بسته در سنتها، مذاهب، تابوها و نافهمی ها، تحمیل فرهنگ محافظه کارانه بر تفکر آحاد جامعه، فقر مادی و فرهنگی چنان در جامعه سایه افکنده است که مردم به مشکل متوجه نقش پای دین و در گسترش آن جنایات، میگردند.

نه تنها بریشنا که دختران دیگری که مورد تجاوز قرار میگیرند در خفا هم از طرف خانواده و هم از طرف فرد متجاوز بخاطر فرهنگ و سنتهای عقب مانده سرکوب و شکنجه میشوند و مجالی به او داده نمیشود تا در مورد خودش سخن بگوید زیرا آبرو خانواده ریخته می شود سوال پیدا میشود ، آیا باز گوی این واقعه به معنای آبروداری خانواده قربانی است؟ یا آبرو ریزی آیا خانواده و والدینی که به بهانه آبروداری، سکوت اختیار میکنند باورمندی به آبرو و شرف دارند؟ آیا از سکوت آنان، آبروداری درک می شود یا بی اعتنایی به آبرو؟

بعضا شرایط کار و تامین اقتصاد نیز زمینه ساز اینگونه تجاوزات میگردد مثلاً اطفالی که از سنین پایین در اماکن و یا فابریکهای کوچک کار میکنند و یا اطفال خیابانی، دم دست ترین و ارزانترین و بی دردمترین منبع در تداوم پدیده نکبت پدوفیلی میباشد.

بی اعتنایی، عدم توجه و عدم اعتماد و کم رنگ بودن رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان نیز زمینه ساز تجاوزات جنسی بر کودکان اند.



شیخ محسنی خواهر ۱۲ ساله مشتاق را به عقد نکاح خویش درآورد و پس از آن به سید حسین انوری دستور داد، تا مشتاق را برای همیشه خاموش کند.

دخترک توسط شیخ پیر مورد تجاوز قرار میگیرد. به اینگونه مشتاق تا هنوز این موضوع را چندی قبل یک ژورنالیست بخاطر پرده برداری از روی خیانتهای رهبران جهادی و از جمله شیخ اصف محسنی که خودش را مبلغ اسلام شیعی میگوید و مدارس مذهبی را به کمک جلادان جمهوری اسلامی در افغانستان بنانهاده باز گو شد. چندی نگذشت که مسلیم فهیمی سردبیر روزنامه هریوا در ولایت هرات نا پدید گشت و تا حالا مفقود الاثر است.

اخبار منتشر شده در مورد تجاوز جنسی بر کودکان در مساجد بخش کوچکی از جنایات آخوند ها و واعظان دین را در افغانستان را منعکس میکند.

در این اواخر قضایای تجاوز جنسی در افغانستان بخصوص در ولایات کنر، بلخ و اکنون در سمنگان گزارش شده اند، اما نگرانی ها وجود دارند که عاملان این جنایات به ندرت مورد مجازات قرار می گیرند. به گفته کارل مارکس مذهب افیون توده هاست. در جوامع بسته، فقیر و مذهبی والدین در تنگنا افتاده ، تجاوز بر اطفال توسط آخوند ها را امری صرفاً مرتبط به آن آخوند و ملا دانسته و در مجموع مذهب را مقصر میدانند. با آنکه نقش بالفعل آخوندها و ملاها را عملاً در تجاوز بر کودکان شاهد هستند، کماکان مساجد را اماکن مقدس پنداشته و با اعتماد اطفال شان را به آن مکانها میفرستند. دلیل عمده این امر تخریب ذهنیت توده ها به وسیله دین است. امکانات وسیعی مالی و تبلیغاتی را که دین در اختیار دارد، زمینه را برای تحمیل افکار قدرتمندان دین مدار در ذهن مردم مهیا می نماید



### ادامه مصاحبه از صفحه پیش ...

برده اند. ولی نمیشود به سیستم فاسد دولتی در افغانستان اعتماد کرد به نوشته سازمان دیدبان حقوق بشر، با تاسف که سطح خشونت‌ها علیه زنان در افغانستان خیلی افزایش یافته است، یکی از دلایل آن هم اینست جزای تجاوز بالای زنان بر خود زنان اعمال میشود و در محاکم افغانستان به عاملان بعنوان تجاوز جنسی جزا داده نمی شود، در این حالت زنان قربانی تجاوزهای جنسی هم به نام جرایم اخلاقی روانه زندان می شوند.

چنانچه صدها زن از این درد در زندانهای افغانستان با کودکانشان یکجا در رنج اند.

**افسانه وحدت: به چه شکل میتوان کمپین اعلام شده را از طرف کودکان مقدمند در افغانستان از پیش برد؟**

**کبری سلطانی:** تحقق هر نوع کمپین یا پروژه ضرورت به ثبات و امنیت دارد، افغانستان بعد از یک سلسله جنگهای داخلی و تغییر و تبدیلهای هنوز همچنان دستخوش همان بحرانها است. این بحران تمام زمینه ها را در افغانستان زیر تاثیر دارد.

سیستم مافیایی دولتی و غیر دولتی، عدم امنیت مردان تفنگدار و قاچاقچیان محلی و سیستم دولتی فاسد و ضعیف زمینه را برای فعالیتهای باندهای جنایتکار، تجاوز جنسی بر زنان و کودکان به اشکال بچه بازی، فحشا و غیره مساعد ساخته است. از همه مهم تر مسله مذهب و سنت هاست که مالکیت والدین و کلانسالان را بر

اطفال مهر تایید میزند و در جامعه افغانستان اکثریت مردم مسلمان و سنتی اند و ایشان با استفاده از قوانین غیر انسانی اسلامی خودشان را تیریه میکنند. البته تحقق کمپین اعلام شده از طرف کودکان مقدمند کاری آسانی نیست و تمام این مشکلات را در مقابل خودش دارد، ولی نمیتوان بخاطر این مشکلات انسانهایی که ضرورت به کمک و هموایی دارند را بحال خودشان رها کرد تا دستخوش این ناملایمات گردند.

لذا بر تمام انسانهای آگاه و آزادیخواه و انساندوست است تا کوشش نمایند برای شکستن تابوهای مذهبی، بی حقوقی اطفال و کودکان، سادیسم فکری و جنسی ملا، مجاهد و رهبران مذهبی سیاسی و طالبانی جامعه مرد سالار فاسد و طبقاتی افغانستان منسجم شوند و در ضمنا برای برچیدن مدارس مذهبی و ایجاد موانع در راه پخش افکار و عقاید بنیادگرایی مذهبی کار نمایند. بی تردید این مبارزه خیلی دشوار و پر بهاست ولی راه دیگری جز به گورستان سپردن نظام موجود و باورهای قرون وسطایی طالبانی، جهادی و امثال آن وجود ندارد.



**افسانه وحدت: چطور خانواده ای میتوانند اینقدر ساده و علنی حکم قتل جگر گوشه شان را صادر کنند؟**

**کبری سلطانی:** خوب همانطور که در جواب به سوالات قبلی هم اندکی بدان پرداخته شد، در این جا مسله قتل ناموسی

مطرح است. قتل ناموسی با سایر خشونت‌های خانگی متفاوت است.

واژه های چون ناموس، شرف، عفت، حیا، عصمت، شرم و آبرو مفاهیمی اند که چون زنجیر بر تن و روان زن و رابطه برده دار و برده را در عرصه روابط جنسی بیان میکنند. مالکیت مرد بر زن به زبانی دقیق با رعایت همین مفاهیم اعمال میگردد، و برده گی زن را بیان میکند. برده با زیرپا گذاشتن عرف یا قانون بردگی به آسانی جانش را از دست میدهد.

زن نیز با نقض مناسبات پاتریارکی به راحتی به قتل میرسد. «لکه دار شدن ناموس» مرد و خانواده و طایفه، مقام و منزلت آنها را در سطح عشیره و طایفه و ده و شهر پایین میآورد، آنها را در سلسله مراتب قدرت ضعیفتر میکند، به همین دلیل لازم می بینند که این «لکه» را پاک کنند.

در واقع سرپیچی برده، مقام برده دار را آنقدر زیر سؤال نمیکشد که دست از پا خطا کردن زن، شان و منزلت مرد را پایین میکشد.

قتل ناموسی در دین نیز تاکید شده است. برای مثال شریعت اسلام مقام خاصی برای ناموس قائل است و قتل زن را به دلایل ناموسی مجاز میشمارد.

دولت فاسد افغانستان نیز مسله را خانوادگی شمرده پیگیری نمیکند. لذا دست مردان خانواده در اعمال قتل ناموسی باز است.

باید گفت که بریشنا نه اولین قربانی است و نه آخرین با تاسف تا زمانیکه زنان در افغانستان با آگاهی و توان این سیستم نابرابر را با تمام روبنای مضخرف (منظورم عرف و سنت و فرهنگ و مذهب و سایر پدیده هایش) اش به زیر نکشد همواره قربانی این برده داری ها خواهد بود.\*



## ملاقات هیئتی از نهاد کودکان مقدمند با سفیر افغانستان در سوئد پیگیری کمپین بریشنا را تنها نخواهیم گذاشت

را بکشند. ما نهاد کودکان مقدمند برای نجات جان بریشنا مجموعه اقداماتی را در دستور کار خود گذاشته ایم، به تعدادی از نهادهای دولتی و غیره دولتی مراجعه کرده ایم و در تماسیم از جمله سازمان نجات کودک، امنستی، صلیب سرخ، سازمان ملل، وزارت امور خارجه سوئد و دو حزب و سازمانی که در افغانستان فعالیت دارند و همچنین تا حالا دو خانواده اعلام کرده اند که بریشنا را به فرزندخوانده گی قبول می کنند، یک خانواده در کانادا و دیگری در سوئد.

برای خروج او هم کسانی متقبل شده اند که به افغانستان سفر کنند. در هر صورت ما برای این کار آماده ایم که راههای قانونی را طی کنیم. بریشنا را باید از افغانستان خارج کنیم امیدواریم شما در این راه ما را همراهی کنید.

آقای حمید حامی پاسخ داد: زمینه های اجتماعی و شرایط جنگی در چند دهه در افغانستان و وجود طالبانها عوامل وقوع این حوادث می باشند. ما هم به لحاظ انسانی در مورد این حوادث ناگوار با شما همدردیم ولی برای خروج بریشنا راه های قانونی لازم است که او را از کشور خارج کنیم.

اگر چنین راه قانونی وجود داشت، من خودم بریشنا را به فرزند خواندگی قبول می کردم و او را از افغانستان بیرون می آوردم. ولی قانون این اجازه را به ما نمی دهد چون رضایت پدر و مادر بریشنا لازم است و در ضمن قانونی هم بعنوان قانون فرزند خوانده در افغانستان وجود ندارد. بنا بر این و با توجه با این دو علل کار ما دشوار است. به هر حال همانطور که اشاره کردم لازم است قبل از هر چیز

چیزی نگذشت که "حمید حامی" سفیر افغانستان در سوئد و معاون اول او آمدند، تا اینجا کار رضایت بخش بود. بعد از خوش آمد گویی و معارفه معمول، کمی از نهاد کودکان مقدمند گفتیم و اهمیت دفاع از حقوق کودکان و ویژگی کمپین نجات بریشنا. بیشتر نامه ای در اختیار سفارت گذاشته بودیم و به آن اشاره کردیم. ماجرای درد ناک بریشنا و همچنین تجاوز سه جوان به یک دختر سه ساله که با شنیدن آن قلب هر انسانی را به درد می آورد و متحیر میماند.

آقای سفیر هم خودش را با احساس ما نسبت به این وقایع دردناک همسو میدانست. پاسخ داد که در جریان ماجرا هست و شنیدن تجاوز سه جوان به یک دختر سه ساله آنها را هم چنان متحیر کرده که باور ندارند این اتفاق واقعت است بلکه بیشتر به یک داستان جنایی شبیه است.

مستقیم رفتیم سر اصل موضوع و پرسیدیم، برای این تجاوز وحشیانه از طرف ملاها به کودکان و در کل اتفاقات ناگواری که در سطح جامعه به وقوع می پیوندد چه باید کرد؟ با توجه به اینکه می دانیم این وقایع درد ناک، یکی، دو تا نیستند، پس برنامه دولت شما برای حل این معضلات چیست؟ همچنین برای خروج بریشنا چه کمکی از دست شما بر می آید؟ همانطور که در نامه ما آمده است ما نگران وضعیت درد ناک بریشنا هستیم که اولاً از طرف ملایی مرتجع به شیوه ای وحشیانه به او تجاوز شده است و از طرف دیگر به جای اینکه خانواده اش او را کمک کنند، حمایتش کنند او را به مرگ تهدید کرده اند و می خواهند او



(بریشنا دختر بچه ای است که توسط ملای ده در کندوز مورد تعرض جنسی قرار گرفت. خانواده او تصمیم گرفتند برای دفاع از آبرویشان، بریشنا را صدمه دیده را به قتل برسانند. او فعلاً توسط یک نهاد نیمه دولتی نگهداری میشود.)

نهاد کودکان مقدمند. پس از انتشار این خبر دردناک، کمپینی برای نجات او بعنوان سمبل بی حقوقی کودک در افغانستان را در دستور خود گذاشت، این ملاقات در ادامه پیگیری این کمپین صورت گرفت.

روز جمعه ۲۱ نومبر ۲۰۱۴ هیئتی سه نفره از طرف نهاد کودکان مقدمند، پروین سلیمی، کیوان رضائی و من کریم شامحمدی راهی سفارت افغانستان شدیم. در طی راه راجع به توقعاتمان صحبت میکردیم، چه کنیم که به نجات بریشنا منتهی شود. ملاقات با سفارت نهایتاً دیپلماسی است و هیچکدام از ما دل خوشی از روابط دیپلماتیک نشان نمیداد. بالاخره به محل سفارت رسیدیم. توضیح دادیم که آمده ایم سفیر را ملاقات کنیم.

ادامه از صفحه پیش ...

ریشه های اجتماعی این حوادث را باید خشکاند، و برای این کار ما خیلی وقت لازم داریم که به این خشونتها و تجاوزاتی که اتفاق می افتد فایق آییم. این خشونتها ویژه افغانستان نیست در دیگر نقاط جهان هم اتفاق می افتد و همچنین اگر نگاهی به کشورهای همسایه بپردازیم می بینیم که کودکان افغان که به آنجا پناه برده اند چنان روزگار خوشی ندارند.

پاسخ دادیم: از نکته آخر که مربوط به وضعیت وخیم کودکان افغان در کشورهای همسایه از جمله ایران می باشد شروع کنیم، ولی قبل از هر چیزی لازم است به اطلاع برسانیم که ما در دفاع از حقوق کودکان هیچگونه مرز جغرافیایی، ملی، مذهبی و ایدئولوژی را به رسمیت نمی شناسیم. ما مدافع حقوق جهانشمول کودک هستیم، بنابراین هر روز از يك منطقه ای در دفاع از حقوق کودک برمیخیزیم يك روز در سودان برای نجات جان دو مادر که با کودکان خردسالشان در زندان منتظر سنگسار بودند، با اعتراض جهانی انسانهای کودک دوست و متمدن جلو این قتل عمد دولتی گرفته شد و هر دو مادر آزاد شدند. روزی در نیجریه علیه گروگان گیری دختر دانش آموز توسط گروه اسلامی بوکوحرام برخواستیم و به کمپین دختران ما را آزاد کنید پیوستیم و هر روزه هم با مدیای اجتماعی که داریم علیه جنایت جمهوری اسلامی ایران نسبت به کودکان و کودکانی که از افغانستان و هر جای دیگر به ایران مهاجرت کرده اند و یا به دنیا آمده اند جنگیده ایم. آمار نشان می دهد که بیشتر از صد هزار کودک که مادرشان شهروند ایران است و پدرشان شهروند افغانستان، از هیچگونه حقوقی که در جامعه برسمیت شناخته شده است برخوردار نیستند، چون از نظر حکومت اسلامی ایران، خاک و خون مربوط به

مرد است و زن حقی بر تصاحب فرزند ندارد، مرد هم که افغان است و به این خاک و خون هم بی ربط می شود و کودک از همه چیز بی خبر و بدون اینکه در مورد این سرنوشت تصمیمی گرفته باشد از هیچگونه مزایای اجتماعی بر خوردار نیست. به نظر شما این نوع حاکمیت را چه چیزی می توانید بنامید به غیر از نژاد پرستی و فاشیسم ناب نسبت به کودکان.

دوم اینکه اشاره کردید که این تجاوز مختص افغانستان نیست و در کشورهای اروپایی هم اتفاق می افتد. بله این اتفاقات ممکن است هر جایی بیفتد و این هم حاصل بقایای تتمه عشیرتی و مردسالاری است، هر چه جامعه و بشر متمدن از آن گذر کرده است ولی هنوز در گوشه و کنار دنیا این توحش هنوز دیده می شود. اما این حوادث درد ناک همانطور که خود واقف هستید در افغانستان یکی و دو تا نیست که اگر همین هم باشد خیلی زیاد است و باید جلوی این گرفت.

سوم اینکه، ما هم بر این امر واقف هستیم که این تجاوز و خشونت پایه های اجتماعی دارد، شرایط جنگی و هم چنین وجود طالبانها، سنتهای عشیرتی و غیره می تواند زمینه های این خشونت و تجاوزات باشد ولی سوال این است سیاست دولت شما چیست ؟ حالا چه کارهایی را بعنوان قدمهای اولیه در دستور خودتان گذاشته اید که بر این حوادث ناگوار فایق آید و زمینه های اجتماعی آنرا خشکانید؟ برای مثال در کشوری مانند سوئد آزادی تشکیل انجمنهای غیره دولتی مجاز است و تعدادشان هم دویست هزار می باشد و دولت هم کمکشان می کند و آنها هم بر جامعه کم یا زیاد تاثیر می گذارند و همچنین اگر می خواهید جامعه سکولار داشته باشید، باید دست مذهب را از

آموزش و پرورش کوتاه کنید و این هم وظیفه دولت است.

چهارم اینکه ، برای خروج بریشنا از کشور افغانستان و مشروط کردن آن به رضایت خانواده اش نقض غرض است، چونکه آنها می خواهند او بکشند، چگونه می توان انتظار داشت که آنها برای خروج او رضایت بدهند؟

در هر صورت ما نجات جان بریشنا را بعنوان يك نمونه می خواهیم برجسته کنیم و روی آن فکوس کنیم. اولاً جان او را نجات بدهیم و دوم اینکه می خواهیم در سطح بین المللی این پدیده اجتماعی، مردسالارانه، عشیرتی و سنتها و طرز تفکرهای عقب افتاده را از جامعه بر اندازیم.

سفير در آخر گفت، همانطور که در اول اشاره کردم اولاً لازم است زمینه های اجتماعی را خشکاند. دوم اینکه برای خروج بریشنا راه قانونی وجود ندارد. ولی به خاطر اینکه موضوع بریشنا رسانه ای شده است، دفتر ریاست جمهوری مسئولیت او را به عهده گرفته است و نزدیکانش که می خواستند او را بکشند دستگیر شده اند، ما اطمینان می دهیم که بریشنا جایش امن است ولی در هر صورت ما این نامه شما و توضیحات خودمان را برای وزارت امور خارجه خواهیم فرستاد.

پس از این گفتگو، محل سفارت را ترک کردیم. در بین راه بحث و گفتگوی ما حول نجات بریشنا، و پاسخ سفارت همچنان ادامه داشت. اگرچه ما توقع چندانی از این ملاقات نداشتیم، اما راهی بود که باید می پیمودیم.

کمپین نجات بریشنا همچنان ادامه خواهد یافت.

نهاد کودکان مقدمند

۲۳ نومبر ۲۰۱۴

ادامه از صفحه ۱۲ ...

خود شد و با دروغپردازی و حتی تهدید خیرنگاران با خونسردی از کنار این حادثه گذشت.

سرگذشت تلخ بازماندگان و دخترانی که بخش هایی از سر و صورتشان سوخت و با توجهی حیرت انگیز مسئولین آموزش و پرورش روبرو شدند. بسرعت توسط دستگاههای امنیتی سانسور گردید، خانواده ها تحت فشار قرار گرفتند که اگر با رسانه های خارجی مصاحبه کنند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و رسیدگی به کار فرزندانشان متوقف خواهد شد.

پس از دو سال (خبرگزاری مهر) جمهوری اسلامی گزارشی از وضعیت این دختران تهیه کرده است. توجه شما را به قسمتهایی از این گزارش جلب می کنیم:



**خلاصه شده توسط نشریه کودکان مقدمند**

... دیگر کمتر کسی هست دختران دبستانی که زیبایی و سلامتشان در آتش کمبود امکانات و فقر آموزش و پرورش سوخت را نشناسد.

پانزدهم آذرماه سال ۹۱ بود که بخاری به جان ۲۹ دانش آموز کلاس چهارم ابتدایی مدرسه ای در شین آباد پیرانشهر افتاد و آن ها را با شعله هایش بلعید.

۷۲۸ روز گذشته، «سیران» و «سارینا» دیگر در میان همکلاسی هایشان نیستند و مابقی سرگردان راهروهای بیمارستان و اتاق عمل اند و هر از گاهی صدای اعتراضی از خانواده آنها مبنی بر رسیدگی بیشتر به اوضاع و احوالشان به گوش می رسد.

این دختران هنوز هم در نمازخانه درس

می خوانند. با توجه به آنکه وضعیت سوختگی این دانش آموزان متفاوت است و مداوما در حال تردد بین تهران و پیرانشهر هستند در شرایط ویژه ای برای ادامه تحصیل خود قرار دارند.



آموزش و پرورش متعدد شده امکان تحصیل این دانش آموزان در محیط مناسب با معلم خصوصی زمانی که در تهران هستند را فراهم کند، اما هنوز این وعده محقق نشده است. مرادی، «پدر سیما» یکی از دانش آموزان شین آبادی از وضعیت نامناسب آموزشی دختر خود و همکلاسی هایش گلایه می کند و می گوید:

چندین بار از آموزش و پرورش درخواست کرده ایم برای این دختران بویژه ۱۲ نفری که وضعیتشان وخیم تر است معلم خصوصی بگذارند. اینها سال گذشته درس خواندند و حالا بشدت از درشان عقب مانده اند.

حسین احمدی نیاز، وکیل این دانش آموزان نیز از عدم وجود شرایط آموزشی مناسب دختران گلایه دارد و عنوان می کند: آموزش و پرورش متعهد شده است تا ۱۵ آذرماه امسال کلاس درس بچه های شین آباد را بهبود ببخشد. آنها در حال حاضر در نمازخانه مدرسه محل سکونت خود تحصیل می کنند و با توجه به آنکه همواره در حال رفت و آمد بین تهران و پیرانشهر هستند، دچار افت تحصیلی شده و باید برای آنها معلم خصوصی بگیرند.

در همین خصوص علی اصغر فانی، وزیر آموزش و پرورش در آخرین نشست خبری اش که ۳۱ شهریورماه برگزار شد، درباره مشکلات آموزشی

دانش آموزان شین آبادی و اینکه چرا آنها را از دانش آموزان عادی جدا نمی کنند می گوید: آموزش و پرورش از تاسیس یک کلاس ویژه دانش آموزان شین آبادی عاجز مانده است.

این در حالی است که رئیس، معاون وزیر آموزش و پرورش به تازگی از راه اندازی مدرسه ویژه دانش آموزان شین آبادی خبر داده بود!

اما «مرادی» پدر یکی از دانش آموزان شین آباد مدعی می شود: آنطور که از ظواهر امر بر می آید این مدرسه که در کنار مدرسه قبلی بچه ها ساخته شده تا پایان بهار سال آینده هم آماده نمی شود.

«پدر سیما شادکام» نیز از این وضعیت گلایه می کند و می گوید: شاید از اول مهر تا کنون دخترم ۲۰ روز به مدرسه رفته باشد و مابقی را تحت درمان بوده است. آموزش و پرورش می تواند معلم برای این دانش آموزان معین کند تا در تهران به هنگام مداوا درشان را هم بخوانند.



حادثه شین آباد یک کابوس برای همه این کودکان بود و به همین خاطر باید روان درمانی آنها به صورت جدی تری مدنظر قرار بگیرد. آتش گرفتن کلاس و سوختنشان در آتش تبدیل به کابوس همیشگی شان شده و آنها را می آزارد.

پدر سیما شادکام، دانش آموز دیگر حادثه دیده مدرسه انقلاب اسلامی شین آباد می گوید: سر دخترم بعلت اعمالی که انجام می دهد مدام درد می کند. سالانه چندین بار دخترم را برای درمان به تهران می آورم و به گفته پزشکان این درمان تا حدود شش سال دیگر ادامه دارد وضعیت روحی دخترم مناسب نیست.



مشخصات ماهواره:

ماه پره ۸  
ترانسپوندر ۱۵۵  
فرکانس ۱۱۲۰۰ عمودی  
اف ای سی ۵/۶  
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

## تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید

کانال جدید برنامه‌های ۲۴  
ساعته خود را در شبکه  
"نگاه شما" از ماهواره  
هاتبرد پخش میکند.  
مشخصات شبکه "نگاه شما"

فرکانس: ۱۱۲۰۰  
پولاریزاسیون: عمودی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰  
FEC: ۵/۶

برنامه‌های کانال جدید در  
شبکه نگاه شما را همچنین  
میتوانید از طریق GLwiz  
در گزینه تلویزیونهای ایرانی  
مشاهده کنید:

[www.glwiz.com](http://www.glwiz.com)

مشخصات کانال جدید  
را به دوستان و آشنایان  
اطلاع دهید.

باشد.

پدر سیما شادکام، دانش آموز حادثه دیده شین آبادی نیز در این باره نیز لب به گلایه باز می‌کند و می‌گوید: از دکتر نوبخت می‌خواهیم به این موضوع که چرا دیه ناقص به ما پرداخت شده است رسیدگی کند. دختران ما از بین رفته‌اند و ما زندگی خود را برای درمان آن‌ها گذاشته‌ایم. بیمه ایران این کار را خودسرانه انجام داده در حالی که روی پرونده ما حکمی مبنی بر پرداخت دیه با توجه به درصد سوختگی نخورده است. پزشکی قانونی درصد سوختگی دخترم را ۱۲۱ درصد اعلام کرده بود در حالی که پزشک در تهران گفت میزان سوختگی ۳۰ درصد است.\*



هنوز مستمری مادام‌العمر برای دانش‌آموزان شین آباد برقرار نشده است. وکیل دانش‌آموزان شین‌آباد می‌گوید: مستمری که سازمان بهزیستی قرار است برقرار کند، آن چیزی نیست که مدنظر ماست. چند تن از این کودکان انگشتان دست خود را از دست داده و معلول به حساب می‌آیند انتظار داریم دولت مستمری ویژه‌ای برای این کودکان در نظر بگیرد که ورای مستمری بهزیستی



## آمار دقیقی از کودکان کار وجود ندارد

به خاک سیاه نشانده است، کار کودکان به بخشی از ممر درآمد خانواده‌ها تبدیل شده است و دیگر نمیتوان وجود این همه کودک را که به جای درس و تحصیل و آغوش گرم خانواده آواره بازار بیرحم کار گشته اند نادیده بگیرند و شانه بالا بیاندازند. لاجرم نمایش مشمنز کننده دیگری را شروع کرده اند. حالا زانوی

آنچه در زیر می‌خوانید سند بی‌مبالاتی و بی‌قیدی دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی در باره کودکان کار است. بخش‌هایی از یک نوشته بلند در باره کودکان کار و نبودن آمار و تعدادشان. گویی باید کودکان کار را شمرده تا برای رفع مشکلشان اقدامی کرد. فلاکت اقتصادی صدها هزار خانواده را

آسیب‌های اجتماعی» شده بود. خبرگزاری مهر هم پیش از این گزارش داده بود که براساس آمارهای سازمان بهزیستی، ۷۵ درصد کودکان کار و خیابان دارای سرپرست هستند و با بازگشت به خانواده، درصد زیادی از آنان به خیابان باز می‌گردند. تحقیقی که به تازگی توسط سازمان بهزیستی انجام شده نیز نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از کودکان کار به مدرسه نمی‌روند. همچنین حدود ۳۱ درصد این کودکان شش تا ۱۱ سال و ۹ درصد نیز زیر شش سال سن دارند.



### ضرورت بانک اطلاعات جامع کودکان

حالا اما دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک می‌گوید که «بانک اطلاعات جامع کودکان جزو برنامه‌های اصلی این مرجع محسوب می‌شود که در حال حاضر در مرحله صفحه‌بندی و تدوین قرار دارد».

\* \* \*

این بخشی از افاضات حضرات است. کور شده اند که ببینند چرا فوج فوج کودک از مدرسه و خانه و زندگی کنده میشود. کور شده اند که ببینند چه بر سر جامعه و مردم آورده اند. زبانشان لال شده است که بگویند دهان این جهنم را کی زیر پای کودکان باز کرده است. چرا آموزش و پرورش با خصوصی سازی و شهریه و تعرفه و هزار زهر مار دیگر چگونه کودکان خانواده های تهیدست را از درس و تحصیل محروم کرده است.

تمام دردشان نداشتن آمار است. نمی گوید چرا بودجه ای در اختیار ندارند! نمی گوید امکاناتی در اختیار ندارند تا کاری بکنند. بساط خالی بهزیستی و مرجه ملی کنوانسیون حقوق کودک نمایشی تر، باسمة ای تر و نخ نما تر از آن است که پز دفاع از حق کودک بگیرد.

اینها دستگاههای وصله پینه کن و ماله کاری جمهوری اسلامی اند نه بیشتر!

– دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در ایران با اشاره به ضعف آماری موجود درباره کودکان کار گفته است: «تا وقتی آمار درست و دقیقی از تعداد کودکان کار وجود نداشته باشد، تصمیماتی که گرفته می‌شود درست نخواهد بود.»

### ۷۵ درصد کودکان کار و خیابان دارای سرپرست هستند

مظفر الوندی ابراز امیدواری کرده است که با تکمیل شدن فاز دوم بانک اطلاعات جامع کودکان که مربوط به مدیریت حمایت از کودکان از طریق سیستم‌های جامع الکترونیکی است، تحول مهمی در وضعیت کودکان ایجاد شود.

میگوید: «هر روز و هر ساعت و هر لحظه اطلاعات مختلفی از وضعیت کودکان چه از مقامات رسمی و چه غیر رسمی داریم. ما بعنوان مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک هر زمان که مورد سوال قرار می‌گیریم که چه تعداد کودک کار در کشور وجود دارد، نمی‌توانیم به‌طور قاطع آمار را اعلام کنیم.»

این در حالی است که پیش‌تر، میترا امام، عضو کانون فرهنگی حمایتی کودکان کار (کوشا)، بدون اینکه آماری از تعداد کودکان کار بدهد، از افزایش شمار آنها در ایران خبر داده بود و خواستار رسیدگی مسئولان برای «جلوگیری از ورود این کودکان به چرخه

غم به بغل گرفته اند که آمار نداریم. روزانه هزاران کودک در سراسر کشور به کودکان کار و خیابان ملحق میشوند. کارگران کوچک ارزانی که بزرگترین قربانیان تراژدی فقر و فلاکت جامعه هستند، کودکی و نوجوانی شان برای همیشه پرپر میشود. و تازه نهادی بی مسئولیت و باسمة ای که تا دیروز افتخارش اسالمی بودنو شرعی بودن ازدواج با فرزند خوانده بود، سینه سپر کرده که آمار کودکان کار را ندارد، مثلا اگر دانش چه گلی به سر جامعه میزد؟ این همه وقت این نهاد و دهها نهاد بی مسئولیت دیگر چه غلطی میکرده اند که حالا میخواهند ادعای یا مفت به مردم بفروشند. روز روشن چراغ برداشته اند توی شهر بی دروازه بدنبال آمار می گردند. میدانند که این چاه بی انتهاست. میدانند، میدانند که اگر قرار است کاری برای میلیونها کودکی که آواره کار خیابان شده اند باید بساط مفتخوری و چپاول و رانت خواری و اختلاسهای چندین میلیاردی و پر کردن جیب بی انتهای آیت الله های گردن کلفت و همه جیره و مواجب بگیرهای اطلاعاتی و امنیتی و برادران قاچاقچی را بگیرند. مردم را نفه فرض کرده اند. گوشه هایی از این نمایش چندش آلود را در زیر خواهید خواند:

# خبرها و رویدادها

مدرسه می‌رساند و به تنهایی فرزندش را از مدرسه به بیمارستان منتقل می‌کند.



اند که در حین وقوع قتل کمتر از ۱۴ سال داشته اند.

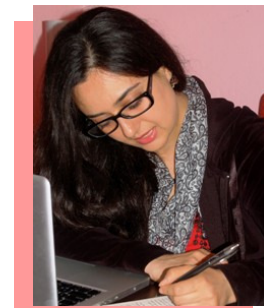
**برخورد شدید معلم، دانش آموز ۱۵ ساله را روانه بیمارستان کرد**

خبرگزاری هرانا - تنبیه بدنی یک دانش آموز ۱۵ ساله از سوی معلمش، در یکی از دبیرستان‌های تهران این دانش آموز را روانه بیمارستان کرد.

به گزارش هرانا به نقل از ایلنا، هفته گذشته پدر یک دانش‌آموز دبیرستانی در منطقه ۹ تهران از تنبیه بدنی فرزندش توسط معلم ادبیات در کلاس درس خبر داد به نحوی که دانش آموز در نتیجه این تنبیه روانه بیمارستان شده است.

بنابر اظهارات این دانش‌آموز که تنها ۱۵ سال دارد و در ضمن از بیماری شدید قلبی نیز رنج می‌برد، دبیر ادبیات به این دلیل که این دانش‌آموز از همکلاسی خود پاکن درخواست کرده، با عصبانیت به سمت وی حمله ور می‌شود و با کتک (ضربه شدید پا به آلت تناسلی) و ناسزا وی را از کلاس درس به بیرون پرتاب می‌کند به طوری که قفسه سینه این دانش آموز به شدت با زمین برخورد می‌کند.

همچنین بنا بر اظهارات ناظم مدرسه زمانی که وی متوجه می‌شود که این دانش‌آموز از شدت درد به خود می‌پیچد، علت را جویا می‌شود و دانش‌آموز به او می‌گوید که معلم ادبیات با لگد به آلت تناسلی او ضربه زده است که در نتیجه ناظم مدرسه بلافاصله او را به دستشویی دبیران برده و از آنجا که این دانش‌آموز سابقه بیماری قلبی نیز داشته سریعاً از مدرسه با والدین وی تماس می‌گیرند و مادر دانش‌آموز هراسان خود را به



## گردآوری و تنظیم لیلا یوسفی

**اعدام کودکان و نوجوانان همچنان ادامه دارد**

رحیم نورالله زاده نوجوان متهم به قتل در زندان تبریز اعدام شده است  
رحیم نورالله زاده نوجوان متهم به قتل که در سن ۱۴ سالگی به صورت غیر عمد مرتکب قتل دوست خود شده بود بعد از تحمل سالها شکنجه و فشارهای روحی بامداد خونین روز سه شنبه چهارم آذر در زندان تبریز اعدام شد. حکم اعدام وی چند سال قبل صادر شده و بعد از اینکه وی به سن قانونی رسیده است این حکم غیر انسانی در خصوص وی اجرا شده است. اجرای حکم اعدام در زندان تبریز طی سالها و ماههای اخیر به شدت افزایش یافته است به خصوص در مورد نوجوانان متهم به قتل این که به سن قانونی رسیده اند بدون هیچگونه توجهی به شرایط سنی و روانی این متهمین حین ارتکاب قتل اجرا میشود. از جمله این نوجوانان که اخیراً اعدام شده اند رحیم نورالله زاده، فردین جعفریان، احد اکبری، بهنام حکیم خانی، محسن مقدم و... میباشند که اغلب آنها متهم به قتل بوده

**قتل فجیع دختر ۱۳ ساله در پی رابطه با مرد متاهل**

پرونده قتل دختری نوجوان که در پی رابطه با مردی متاهل کشته و جسدش به آتش کشیده شده است برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

خانواده دختری نوجوان به نام مریم یکسال قبل به ماموران خیر دادند او گم شده است. پدر مریم گفت: «دخترم ۱۳ساله است. او روزی که از خانه بیرون رفت گفت با یکی از دوستانش قرار دارد و زود برمی‌گردد اما دیگر برنگشت. هرچه با تلفنش تماس می‌گیریم جواب نمی‌دهد و من فکر می‌کنم اتفاقی برایش افتاده است.»

پرونده با اعلام مفقودشدن مریم به جریان افتاد. بررسی تماس‌های او نشان داد این دختر آخرین بار با مردی به نام حمید صحبت کرده و این تماس در غرب تهران برقرار شده، در حالی که خانه مریم در جنوب تهران است. وقتی ماموران حمید را برای توضیح فرا خواندند او مدعی شد نه مریم را می‌شناسد و نه با او مکالمه‌ای داشته است. گفته‌های پر تناقض این جوان ۳۰ ساله کارآگاهان را ظنن کرد.

علی ربیعی، علام کرد که دولت طرحی موسوم به "مبارزه با تکدی گری" را در دست اجرا دارد.

تعدادی از کودکان نیز که مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند نیز جمع‌آوری شدند و باید چهره شهر را از این آسیب‌ها پاک کنیم.

دستور دادیم کارتن‌خواب‌ها از سطح شهر جمع‌آوری شود، اما باید در نظر گرفت که بخشی تکدی‌گری حرفه‌ای را دنبال می‌کنند و جمع‌آوری آنها دشوار است، اما باید به افرادی که تحت فشارهای اجتماعی به تکدی‌گری روی آورده‌اند را کمک کنیم."



۷۵ هزار دانش آموز ترک تحصیل کردند معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش گفت: در سال تحصیلی جاری ۷۵ هزار دانش آموز ترک تحصیل کرده شناسایی شدند.

به گزارش فارس، محمد دیمه‌پور، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به این پرسش که «تعداد

بی‌توجهی به مسایل آموزشی کودکان نیز از دیگر موارد کودک آزاری است.

**دانش آموزان دبستان شهیدجاسم عساکره روستای گیداری شادگان (فلاحیه) از کمترین امکانات آموزشی محرومند.**

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، دانش آموزان این مدرسه از ابتدای سال تحصیلی به علت نبود امکانات در تمام طول مدت کلاس بر روی زمین می‌نشینند.

دانش آموزان این دبستان همچنین با مشکلات دیگری همچون کمبود فضای آموزشی، مشکلات سرویس بهداشتی و ... دست به گریبانند.

گفتنی است، طی روز گذشته اهالی کوت عبدالله (شهرستان کارون) روبروی فرمانداری بخاطر بیکاری بیش از حد و بالا آمدن فاضلابها و بی توجهی مسئولین به وضعیت شهر، دست به اعتراض زدند.

**افزایش آزار جنسی کودکان کار در خیابان**

روزآنا: در شرایطی که گزارش مرجع ملی کنوانسیون کودک نشان می دهد آمار دقیقی درباره تعداد کودکان کار در ایران وجود ندارد، علی ربیعی وزیر کار و تامین اجتماعی با ابراز ناتوانی از تاثیرگذاری دستگاه تابع خود بر این معضل، تاکید کرده که دستور داده چهره شهر از آسیب تکدی‌گری پاک شود.

در حالیکه حمید همهچیز را منکر می‌شد، پلیس متوجه شد او نهبان شرکتی در منطقه غرب تهران است و بیشتر وقتش را در روز در یک کانکس می‌گذراند و آن کانکس روزگم‌شدن مریم آتش گرفته و آتش‌نشانی حریق را عمدی تشخیص داده بود. این یافته‌ها حمید را در بن‌بست قرار داد و او مجبور به اعتراف شد.



**۸۰ درصد از کودک آزاری‌ها توسط والدین انجام می‌شود.**

به نقل از ایرنا، مسوول اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: ۸۰ درصد از کودک آزاری‌ها توسط والدین انجام می‌شود.

«حسین اسد بیگی» دره‌مایش حقوق کودک و پیشگیری از کودک آزاری اظهار کرد: معضل کودک آزاری ناشی از عوامل متعددی است که افراد به ویژه والدین کودکان را از نظر جسمی، روحی و جنسی مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. برخی از موارد کودک آزاری بسیار دلخراش و ناراحت کننده است، به صورتی که دیده شده برخی از والدین برای شب ادراری دست و پای کودک را در آب جوش فرو کرده‌اند.

وی همچنین آزار جنسی کودکان را از دیگر موارد بغرنج کودک آزاری عنوان کرد و گفت: برخی افراد کودکان را در مواجهه با برخی مسایل جنسی که لازم نیست بدانند قرار می‌دهند که بدترین نوع کودک آزاری است.

غفلت از نیازهای عاطفی، مالی و معنوی کودکان و همچنین سهل انگاری و

## برنامه تلویزیون کودکان مقدمند

سه شنبه شبها از ساعت

۲۳/۱۵ تا ۲۳/۳۰ بوقت ایران

۲۰/۴۵ تا ۲۱ بوقت اروپای مرکزی

لطفا ساعت پخش برنامه کودکان مقدمند را به همگان اطلاع دهید!

ما را از کیفیت برنامه ها مطلع کنید.

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

سپرده است و در این میان بحث آسیب‌دیدگان اجتماعی به عهده سازمان بهزیستی است.

وی با بیان اینکه سازمان بهزیستی با مسائل مختلفی سر و کار دارد گفت: موضوع کارتن‌خواب‌ها، کودکان کار و خیابانی، معلولان و سالمندان و همچنین آسیب‌های نوپدید از جمله موضوعاتی است که بهزیستی در تهران با آن روبرو است و این در حالی است که برخی از آسیب‌ها رو به افزایش است.

دانشور با تاکید بر اینکه در بحث پیشگیری از آسیب‌ها عملکرد ضعیفی را داشته‌ایم گفت: اگر به این موضوع توجه می‌شد قطعاً میزان آسیب‌ها کمتر از شرایط فعلی بود.\*

### شهرداری تهران به کارگیری کودکان در جمع‌آوری زباله را تایید کرد

خبرگزاری ایلنا - رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران، تایید کرده است که در تهران شماری کودک با یونیفرم برای جمع‌آوری زباله به کار گرفته شده‌اند.

وی گفته است: من این نکته را قبول می‌کنم و نمی‌خواهم از آن فرار کنم. «درست است که برخی از آنها لباس فرم دارند، اما این افراد کارمند ما نیستند و از سوی پیمانکاران به کار گرفته می‌شوند.

مطابق قانون کار ایران استخدام افراد زیر ۱۵ سال ممنوع است و نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال نیز باید تحت شرایط ویژه‌ای به کار گرفته شوند.

مصطفی فیضی گفته است که شهرداری تهران قصد دارد با اجرای سیاست تفکیک زباله از مبدا بسیاری از این گونه حاشیه‌ها را که به دلیل بی‌سامان بودن مساله جمع‌آوری زباله ایجاد شده است، برطرف کند.

شبکه خبر به نقل از مرکز آمار ایران گزارش داده است که حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در ایران کار می‌کنند.

ریاضیات، علوم تجربی، بهداشت، سلامت و تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، کار و فناوری، آداب و مهارت زندگی و خانواده و آموزش زبان های خارجی است.

امسال همه کتاب های جدید التالیف را به ائمه جمعه، نمایندگان ولی فقیه و شخصیت های علمی فرستاده ایم که نظر خود را بیان کنند تا در مسیر مناسبی گام برداشته باشیم.

وی با اشاره به این که قرآن باید مبنای برنامه ریزی درسی قرار گیرد افزود:

در آموزش قرآن هدف گذاری کرده ایم که در مقطع سوم ابتدایی روحوانی و روان خوانی تثبیت شود و در سه سال بعد ابتدایی و سه ساله متوسطه اول آشنایی با مفاهیم تکمیل شده و در سه سال آخر آموزشی دانش آموزان با فرهنگ قرآنی نیز آشنا شوند و تربیت قرآنی پیدا کنند.\*



### ساخت مرکز ترک اعتیاد نوزادان در تهران

رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران گفت: متأسفانه برخی از نوزادانی متولد می‌شوند که به مواد مخدر اعتیاد دارند که برای درمان این نوزادان باید مراکز ترک اعتیاد همانند یک بیمارستان مجهز راه‌اندازی شود.

به گزارش فارس، فاطمه دانشور در ادامه یک‌صدوپانزدهمین جلسه شورای شهر تهران با اشاره به اینکه قانون اساسی رفاه عمومی را به وظیفه دولت قرار داده است گفت: دولت نیز این وظیفه را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل چند نفر است؟»، اظهار داشت: دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل را از طریق انطباق با سامانه سناد (ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدرسه) و سامانه موالیذ ثبت احوال شناسایی می‌کنیم.

وی افزود: بیشترین بازماندگان از تحصیل در پایه اول، محل توجه هستند؛ در تمامی استانها کار گروه انسداد مبادی بیسوادی تشکیل شده است تا بجهایی که شناسایی شده‌اند، وارد مدرسه شوند.\*



### تمام کتاب های درسی طی چهار سال آینده تغییر می کنند

مبانی اسلامی و قرآنی از منابع اصلی تدوین کتب درسی است

رئیس سازمان پژوهش و تالیف کتب درسی با اشاره به این که مبانی اسلامی و قرآنی از منابع اصلی تدوین کتب درسی است، از تغییر تمامی کتاب های درسی در چهار سال آینده خبر داد.

بر اساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش برنامه تحول در کتابهای درسی کلید خورده است و هر سال دو کتاب از هر پایه درسی تغییر می کند.

رویکرد در تغییر کتاب ها، تولید محتوا و دستیابی به حیات طیبه با رویکرد شکوفایی فطرت و توجه به تعلیم و تربیت اسلامی است. در این زمینه ۱۱ بستر و حوزه یادگیری پیش بینی کرده ایم که برنامه های درسی ما در حوزه آنها صورت گیرد که شامل حوزه تفکر و حکمت، قرآن و معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی،



## منع ازدواج زیر ۱۸ ساله‌ها (توسط سازمان ملل)

### در جمهوری اسلامی ایران، مغایر شرع است!

## سال گذشته بیش از ۴۱ هزار نفر زیر ۱۵ سال در ایران ازدواج کردند

تعریف کودک و سن کودکی بوده است. کمیته حقوق کودک اذعان کرده که تفاوت قانونی موجود میان سن کودک در مورد پسران و دختران با اصل منع تبعیض، در تعارض است، تعارضی که در ایران سن قانونی و شرعی اتمام دوران کودکی را برای دختران ۹ سال قمری و برای پسران ۱۵ سال قمری می‌داند و در سطح جهانی این عدد برای هر دو جنس، ۱۸ سال است.\*

برای همیشه محروم شدند و فقر در میان این زنان جدی‌تر است.

اما محمدعلی اسفغانی، عضو کمیسیون قضایی مجلس، در گفتگو با «اعتماد» می‌گوید گاهی اوقات پیوستن به هر پروتکلی الزاما خوب نیست. اسفغانی معتقد است: «پیوستن به پروتکل‌های اینچنینی منعی ندارد، نظر شخصی من این است اما آثار و تبعاتش را باید ببینیم. من یک نفر تصمیم‌گیرنده نیستم، باید دوسوم مجلس رای بدهند تا تصویب شود.» آمار اعلام شده از سوی ثبت احوال ایران نشان می‌دهد که تعداد زنان زیر ۱۵ ساله که در سال گذشته در ایران ازدواج کرده‌اند، بیش از ۴۱ هزار نفر است، این در حالی است که این ازدواج‌ها، ازدواج‌های ثبت شده‌اند و با اضافه کردن ازدواج‌های غیر ثبتی در این مورد عددی بیش از آنچه اعلام شده خواهد شد. اما با در نظر گرفتن کل ازدواج‌های انجام شده در سال ۹۲، که ۷۷۴ هزار و ۵۱۳ مورد بوده، می‌توان دریافت که ۳/۵ درصد از کل ازدواج‌ها به ازدواج زنان زیر ۱۵ سال برمی‌گردد، این در حالی است که ازدواج زنان بین ۱۵ تا ۱۹ سال هم سهم قابل توجهی از کل را دارد؛ ۳۰ درصد.

در تعریف سن کودکی با دنیا تعارض داریم! درهم آمیختن مباحث شرعی با اصول روانشناسی و حقوقی کودکان، مساله‌ای است که باید توسط روانشناسان و حقوقدانان و البته علما و فقهای دینی مورد بررسی قرار گیرد، به توافق نرسیدن بر سر تعریف کودک یکی از این موارد است، محور قرار گرفتن سن بلوغ شرعی در ایران، مساله‌ای است که از

سازمان ملل، قطعنامه‌ای را برای منع ازدواج کودکان یا به عبارتی افراد زیر ۱۸ سال تصویب کرده است، قطعنامه‌ای که در کمیته حقوق بشر سازمان تصویب شد، خبر از این می‌داد که بیشتر کشورها به آن پیوسته‌اند و اندک کشورهایی هم هستند که به آن نپیوسته‌اند یا مشروط پیوسته‌اند. ایران یکی از این کشورهاست که زیر بار منع ازدواج افراد زیر ۱۸ سال نرفته است و به طور مشروط به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است.

موارد دیگری هم در کنوانسیون دیده می‌شود که ایران با پذیرش آنها مشکل داشته و در مغایرت با موازین اسلامی می‌دیده است. ۲۱ نوامبر، سازمان ملل با تصویب این قطعنامه، همه کشورهای عضو را متعهد کرد که ازدواج کودکان را ممنوع و قوانین لازم برای پیشگیری و مجازات متخلف را تصویب و اجرا کنند. سازمان ملل متحد می‌گوید دیگر توجیه فرهنگی و عرفی برای ازدواج هیچ کودک زیر ۱۸ ساله قابل پذیرش نیست قطعنامه برای تصویب نهایی به مجمع عمومی خواهد رفت.

ایران در این مخالفت تنها نیست و سودان هم ظاهرا زیر بار منع ازدواج کودکان نرفته است. به گزارش سازمان ملل، در حال حاضر بیش از ۷۰۰ میلیون زن در سراسر جهان زیر سن ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند که از این تعداد ۲۵۰ میلیون نفر زمان ازدواج زیر ۱۵ سال سن داشتند.

سازمان ملل متحد در گزارشهای رسمی خود اعلام کرده که این گروه از زنان بیش از دیگر زنان در معرض خشونت خانگی قرار دارند بسیاری از آنها از حق تحصیل

از صفحه فیسبوک کودکان مقدمند دیدن کنید، عضو این صفحه بشوید و با آن همکاری کنید. اخبار، مقالات، عکس و هر اطلاعاتی از وضعیت کودکان را در این صفحه منتشر کنید

(Kodakan moghadamand)

دبیر نهاد کودکان مقدمند

کریم شامحمدی

karimshamohammadi@yahoo.se

تماس با نهاد کودکان مقدمند

barnenforst@hotmail.com

Tel: 0046-702468454

Fax: 0046-706199054

Address: Barnen Först

Box 48

151 21 Södertälje Sweden

سر دبیر نشریه فارسی

سیامک بهاری

siabahari@yahoo.com

نشریه فارسی ماهانه منتشر میشود و در سایت کودکان مقدمند قابل دسترس است.

www.barnenforst.com

### خواسته‌های فوری جنبش دفاع از حقوق کودکان

نهاد کودکان مقدمند به منظور تسهیل پیشروی و متشکل شدن هرچه بیشتر جنبش دفاع از حقوق کودکان و احقاق حقوق کودک مفاد زیر را بعنوان خواسته‌های فوری و حداقل جنبش دفاع از حقوق کودکان در ایران اعلام میدارد:

۱- تضمین و تامین امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و درمانی کودکان برابر آخرین استانداردهای جهانی بوسیله دولت. دولت موظف است استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان را، در بالاترین سطح ممکن، تضمین کند و کمک هزینه های لازم و خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی را مستقل از وضعیت خانوادگی کودکان و نوجوانان تامین کند.

۲- ایجاد مهد کودک های مجهز و مدرن به منظور برخورداری همه کودکان از یک محیط زنده و خلاق تربیتی و اجتماعی، مستقل از شرایط خانوادگی.

۳- تضمین حقوق برابر برای همه کودکان صرف نظر از محل تولد، انتساب به ملیت یا مذاهب مختلف. ممنوعیت هر نوع تبعیض علیه کودکان دختر و پسر، مهاجر و غیر مهاجر و کودکانی که داخل یا خارج ازدواج بدنیا آمده باشند.

۴- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان

۵- لغو کلیه قوانین قصاص و اعدام در مورد کودکان، ممنوعیت نگهداری کودکان در زندان. ایجاد مراکز بازآموزی با امکانات رفاهی، آموزشی و پرورشی مدرن همراه با کمک های مؤثر پزشکی و روانپزشکی برای نوجوانان بزهکار با هدف بازگرداندن زندگی شایسته به آنان.

۶- ممنوعیت حجاب کودکان!

۷- کودک مذهب ندارد. کودکان باید از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باشند. جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی ممنوع است.

۸- ممنوعیت دخالت مذهب در آموزش و پرورش و لغو فوری تبعیض و تمایز در همه عرصه ها و سطوح آموزشی میان دختر و پسر. مختلط شدن مدارس در همه سطوح تحصیلی

۹- مقابله قاطع قانونی با استفاده جنسی از کودکان، حتی تحت نام ازدواج، جرم سنگین جنایی محسوب میشود. رابطه جنسی افراد بزرگسال با افراد زیر ۱۸ سال، ولو با رضایت آنها، ممنوع است و جرم محسوب میشود.

۱۰- ممنوعیت هر نوع آزار کودکان در خانواده، مدارس و موسسات آموزشی و در سطح جامعه بطور کلی. ممنوعیت اکید تنبیه بدنی. ممنوعیت فشار و آزار روانی و ارعاب کودکان.

۱۱- ممنوعیت بخدمت گرفتن کودکان در نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی.

این مطالبات فوری جنبش انسانی دفاع از حقوق کودکان در ایران و خواسته‌های حداقل و عاجل برای رهاندن کودکان از محرومیت و بیحقوقی و دست درازی مذهب و مقابله با کودک آزاری سیستماتیک توسط جمهوری اسلامی است. نهاد "کودکان مقدمند" همه انسانهایی که قلبشان برای حقوق کودک می‌تپد و کلیه تشکلهای و نهادهای مدافع حقوق کودک را ب مبارزه برای تحقق این خواستهها فرامیخواند.

برپایی یک دنیای بهتر برای کودکان ممکن است، به نهاد کودکان مقدمند بپیوندد!